خلاصه کتاب بوطیقای عکاسی اثر داریوش محمد خانی

به همت گروه مطالعه و تولید محتوای کتاب صوتی عکاسی (عکاسان مستقل)

ساره ارژم فکر ، پگاه خارند ، هانیه خجسته ، مریم جمشیدی ، راحیل خادمی ،سونیا میرکی ،زینب مهدوی ، فائزه هاشمی و آرش شادمند

@pdfakasi

به نام خدا

سرآغاز

ضرورت نقد

- **!هنر و صنعت عکاسی بیش از 160 سال قدمت تاریخی ندارد، اما آشنایی به این مقوله چه از لحاظ زمانی و چه از لحاظ جغرافیایی نیاز به مطالعه و بررسی بیشتری دارد.**
- **!گاهی مفاهیم بومی و منطقه ای هر ملت و قومی از یک عکس می تواند نوع ایدئولوژی و بینش آن قوم یا ملت را برملا سازد. در واقع، گاهی مفاهیم مختلف بدون علم و دانش و برداشت صحیح، راه شکست در پی دارد. و گاهی خواسته های یک جمعیت را به خطر می اندازد. اما پیشرفت زمانی حاصل می شود که تلاش در راه یافته های منطقی یک اثر ادبی و هنری به صورت منسجم و منطقی با علم نقد صورت پذیرد. به طوری که خالق اثر با یک نقد و بررسی مناسب می تواند راه صد ساله را یک شبه طی کند و جامعه را نیز در این پیشرفت همراه سازد .**
- **!درباره ی کج اندیشی از برداشت غلط یک عکس مثال زیر را بخوانیم.دگرگونی وقایع**
- **جان گاد فری مورنیس(متولد ۱۹۱۶ میلادی، شیکاگو) سردبیر کارکشته و قدیمی عکس در روزنامه ها و مجلات آمریکا یک سال بعد از استخدامش در نیویورک تایمز در سال ۱۹۹۸ میلادی، عکسی از یک عکاس دریافت می کند.**
- **او می گوید:« عکسی از آدی آدمز از رییس پلیس ساپگون در حال شلیک گلوله به سر یک زندانی گرفته شده بود«.**
- **!بعداز ظهر قبل از کنفرانس خبری به دستمان رسید. «جای شک و تردیدی نبود که عکس تاریخی بود«.**
- **این عکس با وجود مخالفت سردبیران و مدیر مسئولان به صورت کوچک در مجله ی نیویورک تایمز چاپ می شود. این عکس به همراه دو عکس—خوسوزی « گوانگ دوک» رهبر بودایی به عنوان اعتراض در برابر دیدگان حاضران اثر ملکوم براون و « عکس دختر عریان کوچک سرگردان در نپالم» که سربازان آمریکایی در پشت سر آنها هستند در سال (۱۹۶۳ میلادی).اثر عکاس نیویورک تایمز ، نیک آت، در تمامی تظاهرات ضد جنگ چه در داخل آمریکا و چه در خارج از آن به همراه پلاکارت هایی که شعار چرا جنگ در زیر آنها بود ، باعث قبولی شکست نیکسون ، رییس جمهور آمریکا، شد و لکه ی ننگی بر پیشانی**

@ntakasi

تاریخ امریکا حک شد.در تمام فیلم ها و کلیپ ها ی ضد جنگ، از عکس آدی آدامز از کشتار سایگون استفاده شد.

- **!اما واقعیت این عکس چه بود؟**
- **ادی آدامز در سال ۱۹۶۹ میلادی به خاطر این عکس نشان لیاقت و جایزه ی پولیتزر دریافت کرد. اما در هفته نامه ی تایمز چاپ ۲۷ ژوییه ۱۹۹۷ میلادی، آدامز طاقت نیاورد و واقعیت عکس« کشتار سایگون» را آشکار کرد.**
- **» !رسانه عکس نیرومندترین سلاح در جهان است. مردم آن را باور می کنند اما عکس ها دروغ می گویند حتی بدون دستکاری آنها فقط نیمی از واقعیت هستند. چیزی که آن عکس نگفت این بود که اگر شما در آن زمان و آن مکان و در آن روز گرم، آن آدم به اصطلاح بد را بعد از آن که یک یا سه سرباز آمریکایی را کشته بود می گرفتید چه می کردید؟ « ژنرال ناتویان ناگولون»، «ژنرال ویت کنگ» کسی بود که شما او را یک مبارز واقعی می خواندید که توسط گروهبانش تحسین می شد، نمی گویم کاری که او کرد درست بود اما شما باید خود را در موقعیت او قرار دهید، بعلاوه عکس مذکور این واقعیت را که ژنرال بیشتر وقت خود را در ویتنام صرف ساختن بیمارستان برای مجروحان جنگی می کرد نمی گوید. این عکس زندگی او را بهم ریخت.**
- **اما سردبیران نمی دانستند که ادی آدامز برای این که واقعیت این عکس، روند جنگ ویتنام را تغییر داد تاسف نخورد اما برای ترور شخصیت سوژه ی درون عکس بسیار تاسف خورد.**
- **در این مثال متوجه شدیم که عکس ها می تواند وارونه جلوه کنند. اگر نقدی درست از این عکس در سال ۱۹۶۸ می شد شاید روند جنگ ویتنام جور دیگری رقم می خورد.**

در ایران ارتباط گفتاری در درجه اول و ارتبلط نوشتاری در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است.

- **!رسانه عکس در کشور ما بجهت پیشرفت فناوری جهان در زمان پهلوی اول فراگیر میشود و در زمان انقلاب به یکی از ارکان اطلاع رسانی جهانی تبدیل شد و چه بسا جرقه های پیروزی انقلاب بوسیله همین همین رسانه زده میشود.**
- **!عرصه باز فرهنگی و اطلاع رسانی در زمان انقلاب و بعد از آن در جنگ و پس از جنگ باعث میشود تا رشته عکاسی بعنوان یک رشته سرنوشت ساز در دانشگاهها تحصیل و تدریس شود.**
- **!نمایش عکسها در کتب و گالری ها در شاخه های مختلف عکاسی باعث آن شد که عکاسی به سمت و سویی برود که عکسهای خلاقه یا انتزاعی و به طور کامل با دیدگاههای شخصی پا به عرصه حضور بگذارد،حال دیگر برخورد سنتی با شیوه های جدید نمیتوانست راهگشای معناشناسی عکس ها باشد و بدین سبب عرصه نقد و تفسیر در مجلات تخصصی و روزنامه ها به صورت گاه به گاه تلاش به آن داشته**

@ofakasi

است که تحلیل بر یافته های هنری هنرمند عکاس و گاه نفوذ به لایه های ذهنی وی واقعیت نهان یک عکاس را آشکار سازد

- **!فرآیند تولید یک محصول هنری در یک چارچوب ویژه:**
- **۱نیت و قصد عکاس و تهیه آرشیو**
- **۲اجرای عمل عکس برداری**
- **۳ارایه**
- **۴تحلیل،توصیف،تفسیر و نقد عکس**
- **۵جمع بندی و آرشیو**
- **۶حافظه ی تاریخ و استوره شدن**

. دسته بندی اطلاعات

- **پوشاندن یا برطرف کردن نقاط ضعف، تقویت محاسن**
- **-فرایند جاودانگی عکس زمانی تکمیل می شود که بعد از انتشار، ارشیو صورت گیرد**
- **چاپ و انتشار عکس، موجب ماندگاری ش می شود**
- **!سلوک نهایی عکس : به خاطر سپاری تاریخی ش**
- **-اگر عکس درست در زمان خودش ارائه و نقد شود هیچگاه از حافظه ملت پاک نمی شود .**
- **-منتقدان در مشهور شدن بسیار موثرند**
- **-خصوصیات اسطوره شدن ارائه مناسب، تکرار در اذهان و تنوع در نقد است .**
- **!!منتقدان با توجه به جهت گیری های سیاسی ، اجتماعی، فلسفی، زیبایی شناختی و یا ساختاری اثر ، با توجه به فضای موجود فکری در هنر به عکاس می فهمانند که راه را چگونه رفته است و ایا می تواند بهتر حرکت کند و یا باید تجدید نظر کند و به سوی دیگری برود.**
- **!!نقد مغرض و نقد ناشیانه نیز از بلایای تفسیر و نقد است که انحرافات فراوانی را باعث می شود ، گاهی ممکن است عکاس کلا مسیرش تغییر کند و عکاسی را کنار بگذارد .**
- **!!ایا عکاس باید علم نقد را بداند؟**
- **-برخی معتقدند عکاس هنگام عکاسی الهامات و ایجازات مخصوص دارد و به انتهای سفر یک عکس فکر نمی کند .**
- **-برخی هم معتقدند عکاس باید بداند تصویر نهایی چه بر سرش خواهد آمد.**
- **-خوددعکاس اولین مخاطب عکس هست و اولین قضاوت ها را برای ارائه دادن و یا عدم ارائه انجام می دهد .**

- **!نقد و تفسیر یک عکس روشی برای به چالش کشیدن لایه های پنهان و آشکار یک اثر هست ، در این کند و کاو به شخصیت، هویت، نیت و نهایت انچه عکاس پیش روی ما گذاشته پی میبریم و در وحله دیگر از انحرافات فکری مخاطب نا آشنا جلوگیری کنیم .**
- **ضرورت نقد کمتر از انجام و ارائه یک پروژه عکاسی نیست بلکه امری مهم و لازم برای پیشرفت فرهنگی *ست***
- **!رده بندی عکاسان:**
- **۱–اماتورهای عمومی**
- **۲–اماتورهای تفننی**
- **۳–حرفه ای های غیر مستقل**
- **۴–عکاسان سوپرحرفه ای**
- **۵–اماتورهای متفکر**
- **۶–عکاسان مستقل و جریان ساز**
- **!بیش از نیمی از مردم یک جامعه دوربین دارند(ارزان بودن کامپکت های خانگی ، زیاد شدن موبایل های دوربین دار): هر کسی می تواند عکاس باشد اما اینوه عکس هایش در کجا به کار میروند و کجا چاپ می شوند مطرح است.**
- **!اماتورهای عمومی:**
- **-عکاسی با هدف ثبت سفر یا یک اتفاق خوب یا بد خانوادگی، عکسهای یادگاری با دوربین های اتوماتیک**
- **-عدم اهمیت به زیبایی شناسی، ترکیب بندی و موقعیت نور**
- **-اهمیت زیاد حضور فرد نزدیک خانواده در یک منطقه یا موقعیت فصلی(مثلا ۱۳ بدر) یا اتفاق خانوادگی(مردم عادی عکاسی بدون حضور نزدیکان را احمقانه میدانند)**
- **-عکسهای البوم های خانوادگی(گاه برای عدم فراموشی یک موقعیت ثبت شده از گذشته)**
- **-عدم دید کافی به عکاسی و برخورداری از دانش اندک نقد**
- **-مخاطب :نسل بعد**
- **!اماتورهای تفننی:**
- **-برخورداری اندک از دانش عکاسی، علاقه مند به دیدن عکس و عکاسی منظره(غیر از عکس های خانوادگی)**
- **-بی بهره از نقد حرفه ای (به دلیل عدم انتشار و ارائه) و قانع به تفسیر اندک**
- **-واکنش های متفاوت مخاطب :**

@pfakasi

- مخاطب عادی کار این عکاسان را بیهوده میداند
- مخاطب با ذوق و سلیقه تشویق می کند
-
- ﴿حرفه‌ای غیر مستقل
- !عکاسانی که به دلیل شغل درآمدزا(مانند سایر حِرَف)عکاس شده‌اند.(دارای جواز کسب از اتحادیه صنف خود در شهرداری محل سکونت که موظف هستند از تعرفه و شرح وظایف اتحادیه پیروی کنند)
- !عکس‌های پرسنلی،مجالس،پرتره‌های رسمی و لاتاری و سایر عکس‌های پول ساز کارهایی است که آنها به آن میپردازند.
- !انتشار عکس‌هایشان به علت شخصی بودن عکس‌ها تا حدی ما بین مشتری و خود آنهاست به همین علت حیاطه تفسیر و نقد عکس‌هایشان بسیار محدود است و مخاطب فقط به یک نظر عمومی به عکس‌ها نگاه می‌کنند و نه هنری و زیبایی‌شناسانه
- ﴿عکاسان سوپر حرفه‌ای
- !کسانی هستند که به صورت گسترده‌تر عکس‌های خود را ارائه می‌دهند.
- !خبرنگاران عکاس،عکاسان صنعتی،تبلیغاتی،عکاسان حرفه‌ای پزشکی و علمی،عکاسان پرتره‌ای استودیویی،عکاسان ورزشی،عکاسان گردشگری و ابنیه‌های تاریخی،عکاسان مستند،وحوش و عکاسان هوایی و زیر آبی این دسته را تشکیل میدهند.
- !به واسطه‌ی تخصصی بودن و نوع عکس‌برداری که انجام می‌دهند شناخته شده‌اند و ابزارشان به طور کامل حرفه‌ای و گاهی پیچیدگی خاص با درآمد درخور توجه است.
- !ویژگی انتشار در محدوده‌ی گسترده از محله‌ای تا شهری،کشوری و بین المللی دارد.در نتیجه عکس‌های آنان بسیار در دید منتقدان است.
- !گاها به علت سفارشی بودن آثارشان از سوی سفارش دهندگان حالت مستقل صد درصد را ندارد.به همین دلیل علت مانور خلاقیت عکاسان نیاز به هماهنگی با حیطه‌ی اقشار و همکاران دیگر در امور گرافیک و چاپ و متخصصان دیگر است که می‌توان نقد مناسبی برای ژانرهای مختلف در نظر گرفت(که البته مرگ مولف را در پی خواهد داشت.)
- !گستردگی عکس‌های منتشر شده امکان ارزیابی هر سلیقه‌ای را خواهد داشت.هر تخصصی از حِرَف مختلف از دیدگاه خود خوشه چین خواهد بود بنابراین جای نقد و تفسیر و تحلیل در آثارشان به وجود خواهد آمد و این نقد حتما منجر به شهرت بیشتر عکاسان در تخصص کاریشان خواهد بود.

﴿آماتورهای متفکر

@ofoghkasi

- !یوجین اسمیت:عکاسان متفکر و خلاق (بدون سفارش کارفرما)باید حرفه‌ای دیگر داشته باشد تا مسئله غم نان برایشان حل شده باشد و عکاسی را به عنوان دل مشغولی‌ها و سرگرمی‌های خودشان انجام داده و نشر دهند.
- !ارائه آثار آماتور های متفکر دست کمی با عکاسان حرفه‌ای‌ها ندارد و قابل نقد و پژوهش است.
- !جولیا مارگارت،کامرون هنری لاتورگ،جلندر،اجرتون،محمدرضابهارناز و امید صالحی یک سری از عکاسانی هستند که با علایق شخصی عکاسی کردند و منجر به پیدایش یک شیوه‌ی جدید در عکاسی شده که منتقدان بسیاری به خود جلب میکند .
- !پیشرفت آماتورهای متفکر به واسطه‌ی مطالعات و برخوردهای زیاد با مخاطبان،فقط به نقد و تغییر از سوی مطبوعات وسخنرانی‌ها و یا کلاس‌های دانشگاهی است و گاه بقدری از ستایش دیگران درباره‌ی آثارشان به وجد می‌آید و یا از نقد رنجیده میشودظ اما برای پیشرفت از آنها کمک میگیرند.
- ✍عکاسان مستقل و جریان ساز
- !با یک تعلیم مختصر و یا تجربه در یک یا چند ژانر مختلف چه به صورت حرفه‌ای و یا آماتور می‌توان عکاس شد.
- !با وجود اینکه عکاسانی هستند که با یک عکس در تاریخ عکاسی اسطوره می‌شوند اما برای عکاس مستقل شدن ریاضت زیاد و ارایه صحیح و موقعیت شناسی اجتماعی و ظرفیت تاریخی را میطلبد.
- !عکاسان جریان ساز از جمله هنرمندان و اسطوره‌هایی هستند که شعر،ادبیات،علوم اجتماعی و دیگر علوم تحت تاثیر تفکرات و آثار آنان قرار گیرد و چه بسا تاریخی و یا جهت گیری تاریخی با حضور عکس آنان تغییر میکند .(مثال:عکس مهاتماها گاندی"مارگارت برونه وایت_مجله لایف_معرف استقلال و خودکفایی هند در جهان_یادآوری عکس به عنوان یک سنبل و اسطوره"،کشتار سایگون،مادر مهاجر و دورتی لانگ
- !عکس‌هایی که جهت‌گیری تاریخی پیدا می‌کنند در تاریخ نقد عکاسی و هنری جایگاه والا و ویژه‌ای پیدا می‌کنند و شاید به عنوان کتاب و هزاران مقاله و موسیقی و ترانه بر عکس‌ها ساخته شود.(مثال:کودک نارنجک به دست_دایان آربوس)که مقاله‌های زیادی راجع به آن نوشته شده‌است.نقد اینگونه آثار دامنه‌ی وسیعی دارد و چه بسا خود منتقدان را به شهرتی عالمگیر برساند.)
- !هر چند دسته‌بندی عکاسان کار درستی نباشد اما حداقل این کمک را میکند،که خود بتوانیم بفهمیم که درباره‌می کدام عکاس صحبت میکنیم و عکس‌هایش را به چالش و نقد بکشیم.

@pfakasi

- !تنها سه دسته‌ی آماتوران متفکر ،سوپر حرفه‌ای‌ها و عکاسان جریان ساز قابل نقد هستند و آماتور عمومی مورد بحث قرار نمیگیرد.

چرا دسته‌بندی عکاسان

- !الگو و فرمول خاصی برای معرفی عکس ها در رده ی خاصی وجود ندارد ، هر کدام از منتقدان و مولفان نظری عکاسی ، بر اساس شناخت و مطالعه خود یا نیاز روز دسته بندی هایی را برای عکس و عکاسی قائل شده اند .
- !اینکه ما نمیتوانیم برای عکس و یا نقاشی طبقه با الگویی را قائل شویم برمیگردد به دو تعریف " قاعده " و " قانون در علوم
- ! قانون در باب اموری صادر میشود که در هر زمان و هر مکان حاکم باشد به طور مثال قانون جاذبه در سراسر مناطق زمین چه در روز و چه در شب و همه جا یکی است
- ! قاعده نسبتی خاص است که بسته به زمان و مکان ویژه آن دارد ، اموری مانند هنر و فلسفه از جمله مهارت هایی هستند که بسته به جغرافیا و زمان خاص اتفاق می افتد و تحت تاثیر فضا و زمان اجتماعی ، رخدادها ، انقلاب ها و غیره ... رخ میدهد به طور مثال سبک کوبیسم که در ابتدا عده ای با این تفکر که هنر را به حالت واقعیت ظاهری شیء نقاشی نکنند بلکه واقعیت باطنی شیء را با مفهوم خاصی ارائه دهند ، نظریه این گروه بیش از بیست سال حاکم بر جریانات هنری بود و فقط مختص به نقاشی اروپا و در مقطعی کوتاه به امریکا اختصاص دارد بعد از آن جریان کوبیسم به تاریخ می پیوندد .
- ! در سال ۱۸۶۱ جیمز هیوز دو دسته برای عکاسی قائل شد " تصویرگرا " یا "پیکتورئالیسم " که به عکس های دستکاری شده مانند مونتاژ نگاتیو یا فتوشیمی صورت میگیرد و عکس های " ناب گرا " یا مستند که به عکاسی بدون دستکاری و یا نسخه اصلی چاپ میشود
- ! در اوایل قرن بیستم تقسیم بندی عکاسی به خاطر وجود گروه عکاسان انفصالی یا فتوسن شن ها تغییر کرد ، عکاسی مستقیم ، عکاسی فرم گرا ، عکاسی مستند ، عکاسی همسنگ .
- ! عکاسی مستقیم ؛ با توجه به تعریف ادوارد وستون : عکس هایی که قابلیت دوربین برای ثبت دقیق تصاویر با ترکیب های غنی و وفور جزئیات برای تاویل طبیعت و انسان بی آنکه هیچ گاه تماسش را با واقعیت قطع کن
- ! عکاسی فرم گرا ؛ با توجه به تعریف من ری و موهوناگی : شیوه ای برای مجزا ساختن و سامان بخشیدن به فرم برای فرم بدون استفاده از دوربین عکاسی و عکس مانند فتوگرام و یا فتوشیمی
- ! عکاسی مستند: با توجه به تعریف بومونت نیوهال : در این دسته موضوع و مضمون عکس بر سایر عوامل مقدم است و گرایش به ثبت بدون مداخله و اطلاع رسانی صادق و متقاعد کننده را نشان میدهد

@photokasi

- ! عکاسی همسنگ ؛ با توجه به تعاریف استیگلیتز : عکاسی ای که از بار مفهوم عاطفی و معنای درونی برخوردارند (برداشتی از کتاب تاریخ عکاسی بومنت نیوهال). تقسیم بندی های دیگر شامل دسته بندی جان سارکفسکی (۱۹۷۸م) که عکس ها را به دو دسته علمی و هنری تقسیم می کند و نیز گرجن گارنر (۱۹۸۹م) که عکاسی را به شش دسته تقسیم می کرد که با تعلیق زمان (عکاس شاهد) ، جهانی گسترده تر (عکاسی عالم دوردست و غریب) ، چهره های مشهور ، جزییات ریز و وضوح بصری ، تماشاخانه خصوصی و جلوه های نقاشانه فرم رنگ و بافت (عکاسی خلاقانه) قابل برسی است
- ! سالی ایو کلیر در سال ۱۹۷۰م نیز تقسم بندی ارائه میدهد ؛ خودنگاری ها ، صورت گرایی ، سرزندگی زبان عامیانه اسناد ، بینش اخلاقی ، افسونگری ها ، تخیلات تصنعی .

دسته بندی عکس‌ها تری برت در کتاب نقد عکس:عکس‌های توصیفی،توضیحی،تفسیری،ارزیابی اخلاقی،ارزیابی زیبایی شناختی و نظری.این دسته‌بندی براساس نیازهای دانشگاهی اروپا تنظیم شده.با تمام کامل و بی نقص به نظر رسیدن دسته بندی از نگاه غرب اما در برگیرنده‌ی همه‌ی خواسته‌های عکاسی نیست.

- !دسته‌بندی مایکل لانگفورت در کتاب عکاسی پیشرفته:هنری(دارای بیش‌ترین آزادی و جذابیت بصری و افکار بر دیگر عوامل موثر)تجاری(مجاب کردن بازار تبلیغات)مستند(اطلاعات ،خلاصه نتایج واقعی یا تاکیدی)اجتماعی(عکس‌های لحظه‌ای یادآوری‌ها و یادگاری‌ها)کاربردی(وضوح و دقت به یک منظور)
- !ارائه یک الگو درست برای عکس‌های متفاوت به دلیل وجود قاعده میسر نیست.اما می‌توان جغرافیای هنری(به معنای نقشه‌ی ذهنی)از عکاسی ترسیم کرد که در رده بندی عکاسی یا نقدی متناسب با عکس‌های تولید شده حداقل منطق باشد که تا حدی نیازهای ما را در علم نقد عکس مرتفع سازد.
- !ضرورت دانستن این دسته بندی در جهت ارائه نوشتار نقد عکس تقسیم بندی درستی داشته باشیم و نیز اذعان به این موضوع که این رده بندی فقط منحصر به رشته‌ی عکاسی است و خالی از اشکال نیست.
- !تقسیم بندی عکاسی در کتاب حاضر:
- بخش اول_عکس‌های کاربردی:اطلاعات بصری آنها جهت اهداف دیگری به کار می‌رود و عکاسی فقط ابزاری برای ارتباطات به کار گرفته می‌شود و در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد.عکس‌های کاربردی استاندارد ویژه‌ای دارند که گاهی با خارج شدن از این استاندارها،عکس‌ها را از رده‌ی ارائه به امور دیگر خارج کرده و از حالت کاربردی بیرون می‌آید.
- !عکس‌های امور عمومی:پرتره‌های رسمی_بیمه حوادث_مجالس عروسی و جشن‌های خصوصی_یادگاری و آلبوم‌های شخصی است.

@ofakasi

- **!دسته‌ی دوم_پرتره‌های رسمی:عکس‌های پرسنلی جهت شناسنامه‌ها،کارت‌های شناسایی ویژه پاسپورت،به اندازه‌های مختلف و با کادرهای متفاوت مربع_مستطیل و در مواقعی بیضی(مانند کارت ملی)و عکس‌های یادگاری به صورت رسمی در اندازه‌های بزرگ‌تر و به صورت کاملا آتلیه و رسمی گرفته می‌شود.استفاده‌ی این عکس‌ها در بیشتر مواقع برای یادگاری است .برای مطالعه روی این عکس‌ها فقط حوزه‌ی تیپ نگاری می‌توان از آنها استفاده کرد و قابل نقد تیپ‌نگاری و مردم‌شناسی مقطعی از یک زمان می‌باشد.**

عکسهای عروسی و جشنهای خانوادگی:

- **_شامل عکسهای مجالس عروسی و حنابندان و تولد و ...**
- **_شاخه ای از عکسهای یادگاری هستند.**
- **_ارائه ی آنها دارای محدودیت میباشد.**
- **_در حوزه ی نقد در نقد اجتماعی و نقد مارکسیستی قرار میگیرند.**
- **_این عکاسی به معنای شغل در دسته ی سوم حرفه ای های غیر مستقل میباشد.**
- **_این نوع عکاسی میتواند دربرگیرنده ی برداشتی کلی از فرهنگ در یک مقطع زمانی با توجه به مکان برگزاری باشد.**
- **!عکس های بیمه و حوادث:**
- **_عکاسی از تصادفات و آتش سوزیها و یا خرابیهای ناشی از بلایای طبیعی.**
- **_جنبه ی اسنادی دارد.**
- **_عکاسان این دسته حرفه ای نیستند.عکس معمولا توسط پلیس یا کارشناس قضایی گرفته میشود.**
- **_نقد آنها در نقد اجتماعی,روانشناسی میگنجد.**

عکس های یادگاری و البوم های شخصی:عکس های یادگاری بیشترین عکس هایی هستند که در جهان عکاسی وجود دارند.صاحبان این عکسها بنابر دلایل خاصی که در یک مکان یا یک جشن و مراسم حضور فیزیکی داشتند و شاید رفتن به ان مکانها دیگر برای انها میسر نشودحضور خود را در این عکسها به ثبت میرسانند.

!عکسهای یادگاری شیوه نقد تطبیقی و اجتماعی و گذر زمان را در برمیگیرد و مخاطبان این عکسها محدود به خانواده و یا محدود به همان نهاد است و کاربرد دیگری ندارد. و نوعی نقد مارکسیستی یا نقدی خانوادگی را در بر میگیرد به هیچ وجه علمی و یا کاربردی نیست.

@pfakasi

!عکسهای تجاری:عکسهای تبلیغاتی،صنعتی،معماری،سینما و تئاتر،مد و فشن و عکسهای مربوط به فتوکلیپ تبلیغاتی(تیزر)،مولتی مدیا،پانوراماى معماری و صنعتی و عکسهای مربوط به امور مختلف گرافیکی (تصویرسازی و مونتاژ در پوستر ها و بروشور ها)را شامل میشود.

!عکسهای تجاری به دلیل کاربردی عمومی تر،وسعت پوشش مخاطبان بیشتری را از عکسهای عمومی ذکر شده را داراست.عکاسان این گروه دارای شیوه های خاصی در ارایه و عکسبرداری هستند که قابل نقد است. !عکاسی

تبلیغاتی:عکسهای تبلیغاتی در جهت معرفی کالاها و تولیدات صنایع محصولات مختلف کارخانجات،کشاورزی و غیره با نماد های خاص(به صورت اغوا شده)با رنگ بندی گرافیکی و وضوح حساب شده عکسبرداری میشود.

!عکسهای تبلیغاتی از ان رو که مشتریان خاص و مخاطبان محدودی را در بر میگیرد ،نقد عکاسی ان در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد.

!به دلیل سفارش کارفرمایان دخالت هنری و ایده های خلاقه برای عکاسان محدود میشود، ارایه عکسها بسته به گشترش سوژه در حیطه های محلی و بدست اوردن یک کیفیت فوق حرفه ای باعث میشود که از لوازم حرفه ای عکاسی گران فیمت استفاده شود و بدلیل تغییر موضوع در فصول مختلف در سال تغییر محصول با کیفیت های مختلف عکسهای تبلیغاتی در حیطه نقد فصلی قرار میگیرند؛ و منتقدان ای نوع عکسها از نقد معنی و محتوا و نقد تکوینی استفاده میکنند. اما اگر عکاسان سوپر حرفه ای بخواهند شیوه های خود را بعنوان یک امضا هنرمندانه در عکسها حفظ کنند، فضای حرفه ای عکاسی نیز در بوته نقد قرار میگیرد.

!عکس های صنعتی :

- **-زیرمجموعه عکس های تبلیغاتی هستند.بیشتر از بار هنری، بار پژوهشی و توضیحی در بر دارند .**
- **-ویژگی ها: نماهای معرف از کارخانجات و فضای موجود جغرافیای آن، داخل کارخانجات، ماشین آلات صنعتی و کشاورزی، تولیداتو محصولات صنعتی به صورت کمی و کلوزآپ و برش هایی از آن ها برای یاری رساندن به تکنسین ها و گزارش های کار کارفرمایان، مطرح شدن در جمع مدیران و آرشیو آماری از عکس های صنعتی تهیه می شوند.**
- **-نقد عکاسی (فنی/تکنیکی/ تکوینی)به صورت حرفه ای فقط منوط به دانستن علوم مهندسی از آن صنعت امکان پذیر است .**
- **!عکس های معماری: سه گونه اند**

@ofakasi

- **-1ابنیه های مشهور و تاریخی : توسط عکاسان گردشگری گرفته میشود. نمای این عکس ها نباید دچار مونتاژکاری یا خدشه شود.**
- **2معماری معاصر: به دلیل وجود انعکاس ها و یا تغییر در معماری– غرب زدگی– فقط از لحاظ موقعیت و تبلیغات قابل نقد است**
- **-3دکوراسیون داخلی: به دلیل تبلیغات فروش و برای ارائه به کارفرمایان قابل توجه است . دکورایون ابنیه سنتی از اهمیت نقد برخوردار است .**
- **-دلایل مشکل بودن عکاسی معماری: نوع قرارگیری ساختمان و ابنیه در فصول مختلف/ موقعیت نوری ساختمان/ کلوین موجود/ وضوح و عمق میدان بالا به جهت معرفی بهتر**
- **-عکس های هوایی موقعیت ساختمان را به لحاظ جغرافیایی نشان می دهند**
- **-حفظ جزئیات در سایه ها و روشنایی ها بسیار مهم است**
- **-زوایای دید از جهات مختلف نیاز به مطالعه ساعت به ساعت دارد .**
- **!عکاسی مد و فشن: چهار نوع اند**
- **-1مدهای تبلیغاتی: برای معرفی/ متفاوت برای هر سن و جنسیت**
- **-عکاسی مد تکی برای یادگاری و یا ارائه به تولیدکنندگان فیلم و تیزر با حالت های مختلف عکاسی هم متداول است**
- **-2 مدهای هنری: از اهمیت نقد برخوردار است/ مدل در فضای سینمایی و دکوراسیون های مشهور ژست می گیرد و از آ« عکس برداری می شود**
- **-3مدهای طبیعی: در فضاهایی مثل کویر**
- **-4مدهای استودیویی: فضاهای استودیویی با دکورهای خاص متناسب با چهره ، رنگ پوست، رنگ لباس و مو / با فلاش های حرفه ای/ ارائه به صورت تمام شات ، مدیوم شات و کلوزآپ / نقد روان شناختی، ساختارگرایی، تیپ نگاری و جامعه شناسی را در بر می گیرد .**

عکس‌های توریستی و گردشگری:

- **_عکاسی توریستی آماتوری :توسط عکاسان آماتوری گرفته که به علت حضور استثنایی خود در مکان‌های طبیعی یا ساخته بشر گرفته میشود و نوعی سفرنامه‌ی تصویری محسوب میشود که با دسته‌های گردشگری همراه بوده‌اند.**
- **_عکس‌های توریستی حرفه‌ای:عکاسان حرفه‌ای که شغلشان عکس‌برداری از مناطق مختلف است و از آن‌ها در کتاب،کاتالوگ و یا نمایشگاه استفاده میکنند.این عکس‌ها دارای ارزش هنری،علمی،پژوهشی،تاریخی و جغرافیایی بوده و نقدهای مختلف را دربر میگیرد .عکس‌ها دارای**

@ofrakasi

ترکیب‌بندی خاصی است و از وضوح و عمق میدان خوبی بر روی کلیات و جزئیات مکان‌های گردشگری برخوردار است.

- **!عکس‌های گرافیکی:عکس تصاویری که در پس‌زمینه‌ها و در ترکیب‌بندی گرافیکی استفاده می‌شوند.این گونه ایکس‌ها تحت عنوان فتوکلیپ،فتوگالری،فتوتکسچر و فتوآرشیو در دسترس است..**
- **!دسته‌ی سوم_عکس‌هاس علمی و پژوهشی:شامل عکس‌های باستان‌شناسی و مرمت آثار،مناطق جدید و غریب جغرافیایی و عمرانی،عکس‌های هوایی،مهندسی مواد و مصالح مهندسی فیزیک مکانیک،پزشکی و رادیو گرافی،رادیو ایزوتوپ،نجوم و ستاره شناسی،اکتشافات علمی و دستورهای پزشکی،مطالعات زیست محیطی و بررسی‌های آماری در ساخته‌ی جمعیت حیوانات و حشرات ،پوشش گیاهی در مناطق مختلف،عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای و ...است.به دلیل اهمیت پژوهشی علمی،حوزه‌های تخصصی علوم را در بر میگیرد.عکاسان این گروه علاوه بر فن شناسی عکاسی باید فن‌شناسی و ابزارهای هرکدام از رشته‌ها تسلط داشته باشند هم‌چنین منتقدان باید سختی هر رشته آشنایی و مطالعه‌ی نسبی داشته باشند.**
- **!زیر مجموعه عکس‌هلی علمی و پژوهشی**
- **_عکس‌های باستان‌شناسی و مرمت:علاوه بر سیستم سنتی عکس‌برداری باستان‌شناسی،امروزه سیستم عکس‌برداری زیرزمینی یا زمینی باستان‌شناسی را در بر میگیرد.عکس‌برداری که مبتنی بر امواج مغناطیسی زمین با محاسبات ناهنجاری در سازش‌ها و مطالعه با واحد نانوتسلا است .عکس‌های باستان‌شناسب کاربردی دو چندان در پژوهش‌های باستان‌شناسی دارد.عکس‌بردارب از پروژه‌های مرمت برای ساخت تصاویر دیجیتالی جزء واجبات گزارش و عملیات اجرایی پروژه‌ها و اهمیت کاربرد زیاد عکس را نشان میدهد.منتقدان افراد متخصص این رشته هستند و گاهی عکاسان حرفه‌ای و منتقدان حرفه‌ای نقد عکس صورت میگیرد.**

عکاسی از مناطق جدید و غریب

- (new and Strange Area Photos)
- **اکتشافات مناطق جدید و غریب مانند کوه های صعب العبور، دریاهای ناشناخته، مناطق گرمسیر و سردسیر، جزیره ها، و کوه های دوردست نیاز شدید به تصویربرداری و عکس برداری دارد.**
-
- **مثالی از این نوع عکس برداری، عکاسان نشریه معروف « نشنال جئوگرافی» است که حدود ۱۰۰ سال از مناطق مختلف جهان بهترین گزارش های تصویری تهیه شده است.**
- **این نوع عکس ها در حیطه ی نقد ساختارگرایانه، علمی، توصیفی، تکوینی و تحلیل علمی است.**
-
- **!عکس های جغرافیایی، عمرانی و هوایی**

@pfakasi

- (Holography, improvement and Geographical Photos)
- **عکاسی از مناطق مختلف در ارتفاعات مختلف زمین برای دستیابی به اطلاعات ارتفاعات کوه ها، دشت ها، جنگل ها جهت راه سازی، کشف معادن، ایجاد سد، مطالعه بر روی پوشش های مختلف گیاهی جهت اسکان انسان ها و ایجاد مراتع دامی و کشاورزی، بررسی عکس های هواییجهت مطالعات زمین شناسی و غیره جزئ عکس های کاربردی است که البته عکس های هوا–فضا و سه بعدی از این جمله است.**
-
- **!عکس های مهندسی مواد ومصالح، مهندسی مکانیک وفیزیکی، عکس های پزشکی(رادیوگرافی، رادیو ایروتوپ)**
- **(**Medical photos,Engineering photos, Radiography and scanisotope)
-
- **این نوع عکس ها گاهی راه گشای پژوهش های علمی و یا درمانی(عکاسی بالینی) جز نیازهای روز بشر شده است.**
- **عکس های آندوسکوپی از درون بدن**
- **عکس های علمی این دسته، در کنفرانس ها و سمینارها و نیز مکمل گزارشات چاپ شده در مجلات تخصصی وکتاب های علمی استفاده می شود.**
- **نقد این گروه، نقد علمی ، توصیفی و توضیحی را در بر می گیرد.**
- **!عکس های اکتشافات علمی و کهکشانی**
- (scientific Discoveries photos)
- **نجوم و ستاره شناسی و مطالعات سحابی**
- **شاید اگر عکاسی نبود امروزه ما به اکتشافات دنیای خارج از زمین پی نمی بردیم. و نیز دریافت های حرکات اجرامی و یافته هایی در مورد سیاه چاله ها، وحرکات کهکشانی و انتشار گازهای کیهانی وبارش های ان و ردیابی ماهواره ها، و ارسال مراسلات تصویری....**

عکس‌های اکتشافی دنیای ماکرو و نانو:

- **با پیشرفت علم و ساخت ابزار آلات دقیق ،دیجیتالی بودن تصاویر،انسان توانسته برای تهیه‌ی عکس،اعماق ذره بینی را بشکافد.این نوع عکاسی یکی از پیچیده‌ترین امور عکاسی را می‌طلبد.مطالعه بر روی طبیعت که به مدد عکس ماکرو راه‌گشای بسیاری از امور طبیعت،مشغول درمان پزشکی و غیره است.**
- **بخش دوم_عکس‌های مستند:**
- **!در عکس‌های مستند دستکاری و یا روتوش در آن‌ها راه ندارد.**

@ofakasi

- **!وجه اسنادی عکس‌ها باعث میشود که عکاسان گزارشات خود را بدون آنکه خدشه‌ای در ارایه باشد عرضه دارند.**
- **!تحریف در عکس‌ها باعث سلی اعتماد مخاطب از این نوع عکاس‌ها میشود.**
- **!عکاسی مستند باید بدون دخالت خود عکاس ارایه شود.**
- **!ابزار ویژه عکاسی مستند و خبرساز بدون عکس‌های مستند باعث شده که سرعت عمل عکاسان مستند بسیار زیاد باشد(هم موقع عکس برداری و هم ارسال عکس و انتشار آن)**
- **!عکاسان از نظر نوع دید حالت جذاب و یا به کاربردن ابزار کدهای‌شناسی خود را در عکس می‌گنجانند و خلاقیتی بصری ویژه عکاسی خود به‌وجود می‌آورند.البته پرکاری و زیادی انتشار عکس‌های عکاسان مستند،آنها را قابل شناسی و متمایز کردن از یکدیگر میکنند.**
- **!زیر مجموعه عکس‌های مستند:**
- **_عکس‌های خبری و مطبوعاتی:وجه مستند این عکس‌هاو ارایه‌ی آن در مطبوعات باعث جایگاه ویژه در حِرَف عکاسی شده.به دلیل به روز بودن عکس‌هتس مستند ،باید صریح و قاطع و جذاب باشند.از نظر عناصر بصری و نشانه‌شناسی در خود دال‌ها و مدلول‌های زیادی را داراست و دلالت‌های ضمنی بسیاری را میطلبد.متخصصان و منتقدان عکس‌هاس مستند وضوح تصویر درجه‌ی دوم قرار می‌دهند.سرویس نیاز مطبوعات به عکس‌هایی است که بتواند بیش‌ترین اطلاعات سیاسی،اجتماعی،انتقادی،ورزشی و غیره را به مخاطبان نشریات خود بدهد و مسائل تکنیکی عکاسی زیادی ندارد.برای بیشتر نشریات ایرانی میز تیتر روزنامه حرف اول را میزند و عکس‌ها جنبه‌ی تزیینی دارد.طرفداران عکس‌های مطبوعاتی و خبری بسیار هستند که این نوع عکس‌ها از قضاوت و داوری استقبال میکنند و افراد بسیاری را به نمایشگاه فرستاده و کاتالوگ‌هاس عکاسی‌های مستند سال یا نمایشگاه،طرفداران بسیاری دارند.**

_عکس های مستند اجتماعی:عکاسی مستتد اجتماعی مانند عکس های مطبوعاتی انی نیستند بلکه عکس های مستند اجتماعی گاه با مجموعه مفهوم خاصی پیدا میکنند، تک عکس های مستند نیز گاهی دارای مفاهیم زیاد اجتماعی است. 2عکاسی مستند اجتماعی فرصتی را به بیننده میدهد تا معضلات اجتماعی را در یک مقطع زمانی بررسی کند.

_مستند طبیعت:عکاسان چه به صورت رنگی یا سیاه و سفید،سعی در بازنمایی بیشترین جزییات در طبیعت هستند، تونالیته ها و کنتراست های ویژه،انتخاب ساعات ویژه در روز برای بهترین تمهیدات تجسمی در عک سهای طبیعت و نیز دیافراگم های بسته تر تا حدود F64از جمیه خصوصیات این عکس هاست.

4 عکاسان طبیعت به شدت از دستکاری و روتوش عکسهایشان بیزارند،انها سعی میکنند بیشترین حالت عرفانی نور را رعایت کنند؛ عکس های انان گاهی به مثابه یک شعر و یا غزل میماند.

@ofakasi

_مستند وحوش:حیات وحش ابی،زمینی،و هوایی بیشترین موضوعات زیست محیطی خاص وحوش را در عکاسی مستند وحوش دارند. بعضی از عکاسان برای انکه بتوانند مطالعه تصویری خود را بر روی حیوانات از نزدیک و با دقت بیشتری همراه کنند انها را تربیت میکنند و محیط استودیویی خود را چنان میسازند که گویی حیوانات در محل اصلی زندگی خود هستند.

مستند مشاهیر :جذابیت چهره‌ی مشهور و شناخته شده و نفوذ در زندگی خصوصی آن‌ها برای مردم .

- **عکاسان این دسته سعی میکنند در زندگی پ محل کار و یا صحنه‌هایی که افراد مشهور سیاسی،هنری،دانشمندان،مذهبیون و ورزشکاران و افراد خاصی که نامی یا چهره هستند،نفوذ کنند.**
- **این عکس برداری به دو نوع تقسیم می‌شوند:**
- **۱.حضور دوربین را احساس میکنند و سعی میکنند ژست‌های ویژه دارند.**
- **۲.حضور دوربین برایشان مهم نیست و کار خود را انجام می‌دهند که طبیعی‌تر جلوه میکند.**
- **نماهای کلوزآپ،فعالیت در محیط منزل و کار و لباس رسمی و غیر رسمی مخاطب را جذب میکنند.چهره‌ی مستند مشاهیر تا مدت طولانی در کتاب‌ها و رسانه‌ی گروهی تکرار می‌شوند.چهره‌ها از نظر نورپردازی بسیار طبیعی است.**
- **_مستند ورزشی:از شاخه‌های پر درآمد و پرطرفدار عکاسی مستند.**
- **لحظه‌های حساس رقابت و هیجانات پیرامون آن عکس‌های مستند ورزشی را تشکیل می‌دهد.ابزار عکاسی ورزشی علاوه بر سه‌پایه محکم و دوربین‌های مجهز،نیاز به لنزهای تله قوی با دیافراگم‌های باز است.امکانات عکاسی ورزشی گران قیمت است.**
- **علاوه بر مستند به صورت مطبوعاتی نیز کاربردهای فراوان دارد.**
- **_مستند شهری:عکاسی از شهر معایب و محاسن شهر نشستی،آدم‌ها و مشاغل آنان،معضلات و گرفتاری‌ها،شلوغی‌ها،ترافیک،ساختمان‌های سربه فلک کشیده،انعکاسات،سایه‌ها،بیم‌های برق،آلودگی هوا،جاذبه‌های شهر،حیوانات شهری،دیوار نوشته‌ها،...در ساعت ویژه عکسبرداری میکنند.مطالعه‌ی جامعه‌شناسی،مردم‌شناسی و جغرافیایی شهری را نیاز دارد .این عکاسان می‌توانند یک امضای هنری و شیوه‌ی خاص را دنبال کنند مانند:شب(عکاسی براسای)آدم‌های استثنایی(دایان آربوس)گرفتاری‌های ماشینیزم(برسون)سایه‌ها و آدم‌ها(ربرت دانو)نوشته‌های خیابانی(وایکر وانز)پارک و تفریحات مردم(برسون)کولی‌ها(کودکلا)**
- **عکس های مخفی یا جاسوسی (** spying or secret photo)
-

@ofakasi

- **گاه برای مچ گیری یک سیاستمدار یا برای براندازی یک نظام و تخریب یک شخصیت فرهنگی و هنری این عکس ها کاربرد پیدا می کند**
-
- **عکاسی مخفی نیز به دو گونه عکاسی مخفی از افراد خاص و عکاسی مخفی از اسناد و مکان های خاص تقسیم می شوند .**
-
- **!عکس های مردم شناسی (تیپ نگاری)**
-
- **عکس های مردم شناسی به دو گونه صورت می گیرد ؛ گونه کاربردی آن به جهت شناخت نژادها و تغییرات آنهاست و یا مطالعه بر روی فرهنگ ها و تغییر فرهنگی به جهت ادغام های مناسک و تهاجم فرهنگی و نیز بررسی ویژه بر روی نوع پوشش ، حرکات و رفتارها ، نمایش جمعی زندگی کردن ، اتفاقات ، رسومات و عادت های ویژه یک فرهنگ در یک قوم به خصوص و همچنین در جایی ویژه (از نظر جغرافیایی) است .**
- **گونه دوم به تیپ نگاری در جهت مستند نگاری است . هدف از این نوع عکس برداری نمایش بومی بودن آنها است که عکاس سعی دارد تا جایی که می تواند از کمپوزسیون عالی و همنشینی رنگ ها ، البسه و محیط به زیباترین شکل در عکس هایش استفاده کند ، قالب چهره های عکاسی شده نمایش غرور ، عادت های خاص منحصر به فرد افراد است . عکاسی این گونه نوعی تیپ نگاری از دیدگاه زیبایی شناسی نه کاربردی آن است .**
-
- **!عکس های مسافرتی**
-
- **عکس های مستند که در مسافرت های گردشگری افراد مختلف با اهداف متفاوت ارائه می شود .**
- **در واقع نوعی گزارش سفر از فرهنگ های مختلف ، جغرافیای عجیب و غریب از جمله عکس های مسافرتی است که به صورت نمایشگاهی کتاب و یادبودهای شان منشر شده و هدفش شناخت و تبادلات فرهنگی است .**

بخش سوم:عکسهای هنری

- **•عکساهایی که بیشترتفکرات شخصی عکاس درآن دخیل است**
- **هنرعبارت است ازیک وسیله یامتریالی(مانندسینما داستان عکاسی ونقاشی و..)جهت بیان موضوعات خاص که ازاحساس هنرنندسرچشمه میگیردوبیننده رابه تعالی نزدیک میکنندوگرنه یک پدیدع زودگذرروانی است.**
- **)برداشتی ازمقالات استادمحمدتقی جعفری)**

- هرنوع تغییردرعکاسی هنری رامجازمیدانند
- بینش عکاسی هنری مانندبینش عکاسی مستندنیست
- !عکسهای خلاقانه وابداعی
- •نوعی عکاسی که باتکنیک های خاص تاریکخانه ای بابادوربین ویانرم افزارهاارائه میشودوبه ۴ گونه تقسیم میشود:
-
- الف: چیدمان محیطی
- ایجادعناصربصری قبل ازعکس برداری باعناصرخاصی که منجربه وحدت درموضوع میشود. مانندآثارسندی اسکاگلند
- این عکسهارابه پرفورمنس آرت نیزربط میدهندکه نوعی هنراجرااست.
-
- ب:چیدمان دیجیتالی
- ارائه عکس هاباترکیب چندعکس که وحدت نوروموضوع رنگ رادربرمیگیرد
- این عکاسی مانندمونتاژ وکولاژارئه میشودوبسیاردقیق وگول زننده عرضه میشود.
-
- ج:عکسهای لابراتوری وتاریکخانه ای
- این عکسهابه صورت آنالوگ بوده وچیدمان درزیرآگران دیسمان ویامونتاژنگاتیوهمراه است البته امروزاستفاده چندانی نداردگاهی این عکسهاسمت وسوی گرافیکی به خودمیگیرد.

ج.عکس های لابراتواری و تاریکخانه ای

- این نوع عکس ها به صورت آنالوگ است.
- عکاسی با توجه به چیدمان در زیر آگراندسیمان و یا مونتاژ نگاتیو همراه است.
- این عکس ها گاهی به سمت نقاشی و یا گرافیکی سوق پیدا می کند.
-
- د. ترکیب بندی خلاقانه
- عکاس دست به گزینش عناصر می زند و ماهرانه آنها را با هم در می آمیزد.
- مثل یک نقاش که در تخیلات خود چیزی را تصور کرده واین نوع چیدن را در کمپوزیسیون عکس رعایت می کند.
- به عبارت دیگر، عکاس بدون دستکاری در عکس هایش نوعی ترکیب بندی از هنرهای تجسمی متداول را عکس برداری می کند.
-

@pdfakasi

- **!پیکتورالیسم(تصویرسازانه)**
-
- **این عکس ها تا سال ۱۹۱۲ میلادی توسط عکاسان اجرا می شد. امروز هم طرفدارانی دارد.**
- **عکاس به مانند نقاشان دوره ناتورالیسم و امپرسیونیسم ، عناصر را به طرز باور نکردنی به شیوه ی نقاشانه ارائه می دهد.**
- **و تصویر سازی مذهبی، شاعرانه، و عاشقانه را دربر می گیرد.**
- **ارائه این عکس ها با چاپ های لابراتواری(مثل چاپ صمغی، چاپ گام بی کرمات، و چاپ های مشابه) نقش روی کنف و کاغذهای مشابه بافت نقاشی به چاپ می رسد.**
- **عکس های معروف کامرون، رابینسون، امرسون، هیل و آدامسون از این جمله است.**
- **امروزه با تکنیک های HDR نیز می توان عکس هایی را به وجود آورد که با نقاشی هیچ فرقی نمی کند.**
-
- **!عکس های فرمالیستی به عکس خای ساختارگرایانه نیز مشهور است. به سه گونه تقسیم می شود.**
- **الف.**
- **انتزاعی، عکس های آبستره و تجریدی که از ترکیب بندی عناصر تجسمی شکل می گیرد.**
- **ب. عکس های تصادفی**
- **عکس های که به صورت ضد ساختاری، خود ساختاری جدید را به جود می اورند.**
- **بحث این عکس ها« رهایی» از قید و بند مبانی عناصر بصری است.**

ج–طبیعت بی جان:

- **-نوعی چیدمان محیطی اشیا که ویژگیهای نورپردازی رنگی و تونالیته آنها را شبیه نقاشی میسازد.**
- **-از عکسهای خلاقه ی کمپوزیسیون هستند.**
-
- **!عکسهای تزیینی:**
- **-برای تزیینات یا ترکیب دکوراسیون داخلی ادارات و شرکت ها**
- **-بصورت تک لتی ,سه لتی و چند لتی ارائه میشوند**
- **-معمولا در ابعاد متری چاپ میشوند.**
-
- **!عکاسی روایی:**
- **-عکسهایی که منجر به یک روایت داستانی و خلاقانه شوند.**
- **-به دو صورت ارائه میشوند:**

@pfakasi

- **الف_سیکوئنس عکس:شامل 3تا5 عکس ,با کادر یکسان که در هر عکس موضوعات عوض میشود.دارای ابتدا تا انتهایی از یک لحظه ی خاص هستند.**
- **مانند عکسهای دان مایکلز**
-
- **ب_فتواستوری :یا داستان مصور که از یک نمای معرف آغاز و به نماهای بسته تر ختم میشوند و دارای داستانی خاص هستند که گاهی با زیرنویس همراه است.که حالت گزارش گونه دارد.**
-
- **!پرتره های هنرمندانه:**
- **پرتره هایی که با نورپردازی و درنظر گیری محیط و فضای روانشناختی سوژه روبرو است و به افراد مشهور و غیرمشهور میپردازد.**
-
- **الف–پرتره های استودیویی:**
- **با نورپردازی خاص بر اساس روانشناسی چهره بصورت تکی یا گروهی گرفته میشود.**
- **مانند عکسهای آرنولد نیومن و یوسف کارش**

ب: پرتره های محیطی

- **-به صورت نورپردازی در محیط سوژه با توجه به چیدمان محیط و فضای کاری و منزل پرتره صورت میپذیرد**
- **-دغدغه عکاس رسیدن به نورپردازی هاسی دوره کلاسیک و حالات روبنسی است**
- **-نمونه :پرتره های اریک سالمون و ارونیگ پن**
- **-عکسهای فشن و نیود از این جمله اند**
- **!عکس های معناگرا:**
- **-به روایت و نشانه های نمادین عرفانی و هنری (سرخپوستی، آفریقایی و اسلامی) میپردازند**
- **-مباحثی نظیر آفرینش، زایش، خالق، عرفان، عشق، ستایش، عبادات و راز ودنیازربا معبود را دردبر میگیرد**
- **-به گونه های عرفانی، متافیزیکی و سوررآلیستی(با ایجاددنوعی توهم در تصاویر پیرو تفکر خیالپردازانه و توهم زای سوررآلیستی دهه ۲۰) تقسیم می شود**
- **-امروزه پست مدرن محسوب می شوند چرا که درگیر سنت و اعتقادات فرهنگی می شود**
- **!فتومونتاژ و فتوگرام**
- **-کولاژ: چیدمان عکس ها ی چاپ شده که برش خورده اند و کنار هم قرار گرفته اند**

@pdfakasi

- -مونتاژ: اگر نرم افزاری و یا نگاتیو باشد(سوپراسمپوزینگ و ساندویچ کردن دو تصویر روی هم) مونتاژ است
- -مونتاژ بیانی سیاسی، اجتماعی و هنری دارد
- -عکس های جان هارتفیلد و جری الزمن و میشل گوردین(دیجیتال کار)
- -امروزه فتومونتاژ در عکس های آلبوم های دیجیتالی ایتالیایی برای مجالس عروسی متداول شده است
- !فتوگرام
- -چیدمان اشیا روی اسکنرها و یا زیر آگراندیسمان و یا به صورت زیراکسی با دستگاههای کپی، با خطوط محیطی و خاکستری های متفاوت
- -آثار موهولی ناگی و من– ری

!طبیعت با رویکرد هنری:

- _با تصویرسازی و یا تکنیک ویژه تاریکخانه‌ای(یا دیجیتال و(HDRاز هرآنچه طبیعت اعم از پوشش گیاهی،گل،کویر،دریا،کوه،بیابان‌های و
- غیره محسوب میشود.
- _ترکیب‌بندی‌های،تونالیته و رنگ‌ها به صورت نقاشی از این دسته عکس‌ها است.
- _پیتر هنری،امرسون،پیتر پرتر،امیرمحمد کاشفی،سعید بهروزی و ژاکلین میرصادقی جزو این دسته عکاسان محسوب می‌شوند.
- _عکس‌های شاعرانه:عکس‌هایی با حالت‌های عرفانی نور و یا کمپوزیسیون‌ها ویژه طبیعت به حالتی معناگرا و عرفانی می‌رسد .
- !عکس‌های هنر مفهومی:
- _عکس‌های هنر جدید یا کانسپچوال آرت از جمله عکس‌های خلاقانه‌ای است که جزء هنر مینیمال می‌باشد.
- _ارائه آنها به صورتی همراه با هنرهای دیگر است که مفهومی را در بر می‌کرد که اینگونه جزء هنرهای محیطی دسته‌بندی میشود.
- _ژوزف بویز،سیندی شرمن،ش‌خخیرین نشاط و دنیس اپنهایم عکاسان این دسته محسوب میشود.
- !فتوکلیپ و ویدئو آرت:متداول شدن فتوکلیپ در سال ۲۰۰۰به خاطر پیشرفت‌های علمی و دم دست بودن نرم‌افزارهای ارزان قیمت و راه آسان تدوین فیلم عکس.
- _فتوکلیپ‌ها تشکیل شده از ۱۰تا۱۰۰عکس که با موسیقی تیتراژ و دیزالو های مختلف و یا همراه با داستان است.

@pfakasi

- _فتوکلیپ‌ها به اسلاید ویژن،فتوکلیپ،فتو ویدئو،مولتی مدیاها که در آن امکان استفاده از عکس پانوراما نیز وجود دارد.
- !عکس و فونت(فونت عکس):
- _عکس‌هایی که به همراه حروف گرافیکی و بیانگ موضوع سیاسی اجتماعی است.
- _شبیه به پوستر ارائه میشود اما در اینجا فونت در خدمت عکس است.
- _هنرمندانی همچون باربارا کروگر که در این عکس‌ها فونت را با مضمون‌های عکسش همراه میکند و اغلب با رنگی مختلف از رنگ عکس همراه است.
- !عکس‌های لحظه به لحظه:
- _حالت ویژه‌ی یک سوژه را در نظر میگیرد و به صورت ممتد از آن عکاسی میشود.
- _مطالعات حرکت اسب در عکس‌هاس ادوارد مایی بریج منجر به کشف سینما شد.
- _مثالی دیگر:دکتر اجرتون_حرکت مختلف ورزشی_نشان دادن ورزش از نظر فیزیکی

!عکس‌های لایت و سیلوییت:

- _عکاسی با نور پردازی ویژه به نام عکاسی‌های لایت.
- _منبع نور از روبه‌روی عکاس و سوژه بین منبع و عکاس
- _اجرای این عکس‌ها با پس زمینه مشکی است
- _خطوط محیطی سوژه به صورت رویایی و زیبا به نمایش درمی‌آید و در عکاسی پرتره و طبیعت بی‌جان متداول است.
- _با ایجاد نوعی فیلتر مربوط به عدسی دوربین نیز بازی‌های زیبایی شناسانه‌ای انجام می‌شود که باعث تداعی نوعی تلالو و فلق صبحگاهی در عکس می‌شود.
- _اگر زمینه سفید و منبع نور درست پشت سوژه شده باشد حالت شئی ارائه شده،سیلوئیت است .
- _شفافیت شی ضدویروس زیبایی ایجاد میشود.
- !عکاسی نیود و بدن‌های برهنه:
- _در ایران رایج نیست
- _هدف از نمایش بدن‌های لخت که شامل بدن انسان و زیبایی اندام است.
- _زیبایی فرم‌های اندام انسانی که در نورپردازی ویژه گفتمانی شمایلی و اسطوره‌ای را در خود دارد.
- _این عکس‌ها گاهی به صورت‌های مختلف استودیویی و یا رها در طبیعت بکر عرضه میشود.
- »سبک در عکاسی«

@pfakasi

- !منتقد و مفسر عکس باید دانش خود را علاوه بر فضاسازی،تشکیل ذهنیت هنری نیز شیوه منحصر به فرد عکاسی رابشناسد.
- ⁂پارامترهای شناخت حیطه‌ی هنری
- !واحدهایی نیز به صورت خیالی و برعکس استدلالی برای شناخت سبک‌های هنری وجود دارد.
- !تقسیم‌بندی عامل‌های هنری نوعی ویژگی تجسمی دارد و یک نقشه ذهنی برای شناخت فضای هنری بیش نیست .
- !دوران‌ها:
- _واحدی برای شناخت زمان بسیار طولانی بیش از ده تا صد هزار سال
- _هر داوران از چند عصر تشکیل شده است
- _مانندددوران زمین شناسی مزوزوئیک یا ژوراستیک(در حال حاضر عصر الکترونیک و دیجیتال زندگی میکنیم)

عصر یا هزاره از نظر زمانی کوتاه تر از دوران است.

- عصر بین صدسال که سده نیز گفته می شود تا هزار سال یا هزاره طول می کشد.
- در حال حاضر ما در عصر الکترونیک و دیجیتال زندگی می کنیم.
- هر عصر یا هزاره از چند « دوره» تشکیل شده است.
-
- !دوره با دوران متفاوت است.
- هر دوره مدت کوتاهی بین ده تا صد سال طول می کشد، مانند دوره ی باروک هلند و یا دوره مدرنیسم یا دوره ی پست مدرنیسم.
-
- در حال حاضر دوره ی پست مدرن در هنر را پشت سر می گذاریم.
-
- !هر دوره از چندین «سبک» تشکیل می شود.
- سبک واحد کوچکتر از دوره است. و مدتی بین چهار تا بیست سال را به خود اختصاص می دهد.
-
- هر سبک نشان دهنده ی تفکرات سازمان یافته چند نفر از خالقان و متفکران آن روزگار است که هدفی واحد را دنبال می کند.
- سبک در همه ی علوم و هنرها و یا حتی تفکرات فلسفی وجود دارد به خصوص در هنرهای مختلف و ادبیات.
-

@pfakasi

- **سبک ها به خودی خود نمی آیند بلکه با گذشت زمان توسط رهبران پیشرو یک فکر خاص و یا از سوی منتقدان شکل می گیرد.**
- **نام سبک بسته به تفکرات منتقدان و معرفی آنان پیش می اید مانند اکسپرسیونیسم آلمان در سال ۱۹۴۰ میلادی که در سال ۱۹۵۰ میلادی به نام اکسپرسیونیسم آلمان شناخته شد والا در زمان خودش با این عنوان خاص وجود نداشته است.**
-
- **!هر سبک‌نیز مانند دوره از چند «شیوه» شخصی افرادی نزدیک به هم تشکیل می شود.**

وجود سبک در عکاسی:

- **_بسیاری از منتقدان هنر،عکاسی را به دلیل وجود محاکات عاری از هنر می‌دانند و سبک را راه و روشی در تولید و ایجاد سطحی در هنرهای زیبایی سنتی و هنرهای نمایشی می‌شناسند.**
- **_آنها(منتقدان)معتقدند در نقاشی می‌توان عوامل تصویری را بر مبنای میل و اراده‌ی خالق اثر تغییر داد اما در عکاسی از اشیا واقع بر روی امولسیون یا CDعین به عین به وجود می‌آید و به کمک نور ثبت می‌شود و دخالت ذهنیت عکاس به خاطر انتخاب زاویه دید و ابزار و نوع دید ویژه میسازد در نتیجه این روند مکانیکی نمی‌تواند دارای سبک باشد.**
- **_گلداسمیت معتقد است که سبک در عکاسی وجود دارد و می‌توان آن را در طول و جستجو و دانش‌اندوزی عکاسی و نیز در پس تکرارها و تداوم عکاسی و ارائه زیاد یک موضوع مشخص کرد.**
- **_عکاسان به دلیل تمهیدات منحصر به خود در تکنیک و ارایه آن می‌توانند دارای سبک باشند.**
- **_تجارب زندگی،فضای موجود در رشد و عوامل پرورش دهنده و نیز رفتارهای اطرافیان در منش،ترکیب و ساختار عکس میتواند تاثیر بگذارد.**
- **_دسته‌بندی سبک عکاسان توسط گلداسمیت:**
- **»جستجوگران و شکل دهندگان«**
- **_به اطراف خود سفر میکنند و بدون سعی در تغییر آن را ثبت میکنند.**
- **_عکاسان مستند «بدون اطلاع سوژه»،«عکاسان صریح»و «عکاسان علمی»جزو این دسته هستند .**
- **_ارنست هایت عامل غافلگیری و برانگیختن شگفتی را در آثار خود حائز اهمیت می‌داند.**
- **_عکاس مستند بعد از رخ دادن وقایع به میدان می‌رود وقتی امکان پیش‌بینی حرکات چند ثانیه بعد را داشته باشند.واقعیت نظریه‌ی لحظه‌ی قطعی نیز از همین روی است و شکل دهندگان عکاسانی هستند که می‌دانند به دنبال چه هستند و هدفشان به طور کامل مشخص است و نیز زمان شناسی موقعیت را در نظر میگیرند .صبر بهترین ابزار شکل‌گیری یک اثر هنری(عکاسی)است.**

@pfakasi

- _عکاسی مد و پرتره و تجاری از این جمله محسوب می‌شوند.
- _عکس‌های جزوف کودلکا با عکس‌های هنری کارتیه برسون با اینکه هر دو مستندگرا هستند و ویژگی‌های ساختاری تقریبا برابری دارند و نیز هر دو از عکاسان جستجوگر هستند اما عکس‌هایشان از هم قابل تشخیص است هر دو لحظه‌ی قطعی فکر میکنند اما از نظر شیوه‌ی عکس‌برداری،ترکیب‌بندی و فضاهای زمانی و مکانی به طور کامل منحصر به فرد هستند.
- _پل استراند و ادوارد وستون که هر دو از عکاسان عینیت نوین هستند در سبک و سیاق عکاسی و تفکر ،یکی به نظر می‌رسند اما عکاسان شکل‌دهنده‌ای هستند که با وجود ترکیب‌های خاص خود،برش‌ها،انتخاب نور و فضاسازی صحنه ایشان به طور کامل شیوه‌ی شخصی دارند که می‌توان عکس‌هایشان را از هم تمیز داد.
- _بومونت نیوهال:سبک در عکاسی حاصل جمع احساس تصور و تکنیک است.درواقع سبک تخیلات معتبر از بصیرت و شخصیت یک عکاس است که شما قادر به تقلید یا بدل سازی از آن نخواهید بود زیرا ریشه‌های عمیقی دارند و چیزی نیست که یک شبه خلق شده‌است.
- _استگلیتز:عکاسان با سخت‌کوشی می‌تواند به یک دستاوردی از خویشتن در عکاسی دست یابد.در صورت بروز سبک به طور طبیعی با احاطه بر ابزار و مواد عکاسی و همچنین گرفتن تصاویر بیشمار رشد و توسعه خواهد یافت.

  مهارت،سابقه و تجربه‌اندوزی و آزمون و خطاهای بسیار باعث رشد و نمو و پیدایش سبک ویژه‌ای در یک گروه می‌شود.
- !رابرت لوییس استیونس:تقلید در هنر و به خصوص عکاسی جایز است.تجربه‌ای که به سختی به‌دست آمده در نتیجه تجربیات نیاز به تقلید دارد.
- !آگاهانه یا ناآگاهانه تقلید نقش «میمون ساعی»را ایفا می‌کند که حرکات را به نمایش آموخت،تجربه کرد تا جای پای جدیدی در هنر بر جای گذاشت.
- !روش تقلید از بزرگان عکاسی گاه به صورت عادت می‌شود و این مهم خطر محو شدن شیوه و یا شناسایی شیوه عکاس تقلید شده به نام عکاسان اصلی را در برخواهد داشت.
- !پل‌استراند:شما ممکن است روش‌های دیگران را ببینید و تحت تاثیر قرار بگیرید،حتی ممکن است از آن روش‌ها برای یافتن شیوه‌ی شخصی و یا سبکی اختصاصی بهره بگیرید.اما عاقبت مجبور خواهید شد که خود را از قید آنها برهانید.
- !اعتبار یک عکس به ارایه و یا نوع متفاوت ارائه شیوه‌ی شخصی در یک نشر بستگی دارد.

@drakasi

- **!منتقدان موافق و مخالف شیوه‌ی شما،اعتبار شیوه‌ی جدید شما را در یک گروه خاص بررسی میکنند.عکاسی شما را با عکاسان بزرگ سنجیده و گاه دیدگاه خودشان با برداشت علمی بررسی میکنند و شما را پیرو یک سبک می‌دانند که یا تاریخ مصرفش سر آمده یا در دوره‌ی پست مدرن وجود دارد یا درکش نمی‌کنند و با حواشی می‌خواهند خودشان را توجیح کنند .**
- **!سبک و شیوه‌ب شخصی در یک‌دوره‌ی خاص به طور کامل قابل نقد است.**
- **!یک عکاس با یک عکس نمی‌تواند شیوه‌ی شخصی خود را معرفی کند.**
- **!رالف‌ایوانز_کتاب چشم،فیلم،عکاسی رنگی:در کار عکاسی،مجموعه،در حکم یک عکس واحد از کار هنرمندی با سبک شناخته شده خواهد بود.**
- **!برای اسطوره شدن یک شیوه‌ی شخصی نیاز به سبک وحدت در تفکر گروهی است که باعث شناخته شدن سبک ویژه می‌شود.**
- **!میرچادالیاد_رساله‌ای در باب ادیان درمورد اسطوره :برای اسطوره شدن چیزی ،باید ویژگی‌های تکرار در شیوه تنوع در حضور و تداوم در حرکت وجود داشته باشد.**
- **!سبک‌هایی که تهی از وجود حقیقی متعالی است که امروزه به صورت اطوارها و یا خودنمایی‌های هنری و فاقد ارزش خود را به نمایش می‌گذارد که سبک را تهدید می‌کند.و وجود منتقدانی که بی‌سوادی خود را کتمان می‌کنند و فهم مخاطب را زیر سوال می‌برند و هویت شرقی و عکاسی ایرانی از بین می‌برند.**
- **!یکی از مشکلات مهم علم نقد در ایران در هر شاخه‌ای از هنر و ادبیات متاسفانه نداشتن نقدی منطقی و درست است.**
- **!سوزان سانتاگ_علیه تفسیر:به عرض تأویل متن،هرمنوتیک،به شناخت قدرت تهییج(علم اروتیک یا ترغیب)هنرنیازمند هستیم**

تقسیم بندی سطح مخاطبان عکس ها:1–بینندگان عامه مردم2–بینندگان خبره3–بینندگان حرفه ای4–بینندگان عکس های تجاری و تبلیغاتی.

- **این تقسیم بندی مطلق نبوده و باید نوجه داشت که عوامل بنیادی در دید مخاطبان عکس تاثیر میگذارد،این عوامل شامل عوامل بیرونی و درونی است.**
- **!عوامل بیرونی:نوع ارایه عکس و فضا سازی ان تاثیر بسزایی روی بیننده میگذارد.فضای نمایشگاه با دیدن عکس در اینترنت و یا عکس منتشر شده در یک روزنامه بسیار متفاوت است،مثلا فضای نمایشگاهی ویژگی های خاصی دارد،اینکه عکس ها بصورت نمایشگاه گروهی یا فستیوال عکس با نمایشگاه انفرادی متفاوت است.**

@ofakasi

- **از انتشار پوستر،کاتالوگ و نوع کارت دعوت و یا حتی مشخصات دعوت شدگان،چگونگی برگزاری افتتاحیه تا خریداران عکس و یا انتشار عکس نمایشگاه در یک نشریه و نوع نشریه، همچنین از موسیقی که در نمایشگاه پخش میشود تا بوی عود و وعطر و نیز تیپ افراد و برخورد ها در بیننده عکس تاثیر خواهد داشت.**
- **نوع ارایه عکس ها، تم رنگی انها ،نوع چاپ انها و نیز زیرنویس عکس ها چیدمان انها و مکان برگزاری نمیشگاه همه روی مخاطب تاثیر میگذارد و این تاثیر با نوشتن نقد بینندگان و نقد منتقدان خبره در اینترنت یا روزنامه و نشریات تکمیلتر میشود.**
- **فضای نشر عکس و انتشار عکس در اندازه های مختلف،نوع چاپ و یا حتی انتشاراتی ک این عکس هارا چاپ میکند برای بیننده خبره و حرفه ای اهمیت بسزایی دارد و نیز شرح کامل چگونگی جمع اوری عکس ها در یک محله و با یک مقاله برای مخاطبان اهمیت دارد چراکه در توصیف عکس ها این اطلاعات بکار میرود.**
- **!عوامل درونی:تجربه دبداری، اطلاعات فنی و تکنیکی عکاسی،اطلاعات بصری از دیدگاه هنرهای تجسمی و نیز تفکر عکاسی منطبق با جو هنری در ایران و جهان و نیز شناخت نسبی با عکاسان ، عکس ها و اشنایی با فضای فکری انها، داشتن پیشینه ای از سوابق عکاسی و برخورد با خود عکاس و نشستن پای صحبت های عکاس و در نظر گرفتن مسائل تفکری در مجموعه عکس های ارایه شده و دسته بندی ذهنی در خصوص عکس ها و مسایل دیگر باطنی از جمیه عوامل درونی است.**
- **عوامل درونی نیز به حالات درونی بیننده بستگی کامل دارد ، مسلما بیننده ای خبره به شکل متفاوت تری از یک بیننده عمومی عکس، به عکس نگاه میکند.**

نظر جان سارکفسکی درباره بینندگان خبره و عمومی آن است که بین دیدن ((seeو نگاه کردن ((look تفاوت بسیار است . در واقع نگاه کردن از نوع دید گذرا برخوردار است که بینندگان عمومی عکس ها ، از این دید استفاده می کنند اما افراد خبره و حرفه ای از دیدن یعنی دید متفکرانه به عکس استفاده می کنند

-
- **!بینندگان عمومی ؛**
- **آلن ساکولا در مقاله ی " در معنای ابداع عکاسانه " معتقد است " در سطح جهان کمتر مردمی هستند که با عکس و عکاسی آشنا نباشند . واکنش عوام نسبت به عکس ها بسته به چگونگی کاربرد آن ، متفاوت است .**
- **عکاسی برای سطح عوام نوع اطلاع رسانی بصری است**

- **بینندگان عمومی عکس ها گاهی برای دیدن متفکرانه به عکس ها وقت صرف نمی کنند ، آنان سطح تفکرشان را در حدی نگه میدارند که "خوشایند بودن " و یا " زشت دانستن " آن را تا اندازه ای که مزاحم ذهنشان نشود و یا ذهنشان مخدوش نشود به عکس اهمیت می دهند .به ذور حرم تمس های چندش آور جنگ و یا عکس هایی از مقولات اجتماعی برای عوام ناخوشایند است و خیلی سریع از آنها رد میشوند**
-
- **!بینندگان حرفه ای ؛**
-
- **بینندگان حرفه ای به جهت حرفه ی عکاسی یا حرفه ای مرتبط به آن (مانند نقاشی ، معماری ، گرافیک و غیره) به عکس ها به جنبه ی کاربردی و با در نظرگیری آن که چقدر بیننده دارد و یا چه نوع بیننده ای آن را نگاه میکند در نظر می گیرند ، به طور حتم مسائلی مانند تکنیک و وضوح و زوایای دید عکاس و یا تفکر کاربردی عکاس برایشان اهمیت زیادی دارد . حتی عوامل بیرونی مانند نوع چاپ ، اندازه ، عوامل بصری به کار گرفته شده در عکس ها برایشان مهم است .**
- **مسوولان از دیدن مجموعه ی عکس های تکان دهنده (چه اجتماعی چه تجاری) می توانند تصمیماتی حتی در سطح مجلس یک کشور و حتی بین الملل اتخاذ کنند مانند عکس های گروه** FAS
- **)انجمن حمایت از کشاورزان آمریکا) و یا عکس های لوئیس هاین (که قانون کار کودکان در آمریکا را رقم زد) ویا عکس های حلبچه که کتابش حدود چهار میلیون نسخه در جنگ خلیج به چاپ رسید و انجمن های حقوق بشر را علیه صدام و رفتار جنگی اش بر آشفت .**

بینندگان خبره به سه رده تقسیم می شوند

- **۱.هنرجویان،دانشجویان و علاقه مندان به عکس و عکاسی**
- **-به عکاسی به لحاظ یادگیری تکنیک ها و فنون(آموزش)،استفاده از عناصر بصری و کمپوزیسیون، دنباله گیری روند تفکر عکاسان در مسیر حرفه (دنبال کردن نمایشگاهها و ملاقات با عکاسان فعال و مشهور)و مستقل و اعتلای عکسهاشان و بررسی و مطالعه عکس ها در فضای عکاسی، یادداشت برداری و اظهار نظر در باب عکس ها ی موجود توجه می کنند**
- **۲.بینندگان خبره**
- **-عکاسان حرفه ای و علاقه مند یا افراد هنری که عکاسی سرگرمی ویژه شان است**
- **برای شناخت ویژگی های فضای روز عکاسی عکس ها را نگاه میکنند و نظر می دهند ، اغلب مشهورند و تاثیرگذار در روند رشد عکاسی**

@pfaksi

- **برخی بینندگان حرفه ای با وجود اینکه خود عکاسی نمیکنند(مثل تماشاچی فوتبال) مانند عکاسان حرفه ای از دنیای عکاسی اطلاعات کافی دارند و نظراتشان با وجود عدم تاثیر در محافل هنری برای عکاسان جالب و گیراس**
- **۳.بینندگان خبره و منتقد**
- **-تاثیر نقدرمنتقد کمتر از کار عکاس نیست ، منتقد فضای عکاسی و عکس را میشکافد ، تشریح می کند، دانش نقد دارد و به فضای دنیای هنر مسلط است، نقد ش حائز اهمیت است ، لزومی ندارد عکاس باشد**
- **منتقد به مرور زمان در گفتار و نوشتار خبره می شود**

!تجزیه و تحلیل ((analysis

- **تجزیه وتحلیل نشانه شناسی**
- **تجزیه و تحلیل فرم**
- **عناصر تجسمی و تمهیدات**
- **تحلیل محتوا**
- **تحلیل اسطوره شناسانه**
- **تحلیل ژانر اثر وسبک**
- **با اینکه تجزیه و تحلیل معانی متفاوتی دارند اما در کتاب های مربوط به نقد هنری و مقالات عکاسی تجزیه و تحلیل را جدا نیافتم. بنابراین در این جا تجزیه و تحلیل را با هم بررسی می کنیم.**
- **تجزیه به ساختارها و نشانه ها، فرم، عناصر تجسمی، و تمهیدات آن موضوع و ویژگی های عناصر به طور مجزا می پردازد.**
- **تحلیل راه حلی است که بین آنچه گفته شد رابطه هایی را بررسی می کند.**
- **عکس از چه چیز تشکیل شده اند؟**
-
- **عناصر هنرهای تجسمی مثل نقطه، و سطح و خط بافت، شکل، رنگ و حجم ها و غیره است. از کنار هم گذاشتن این عناصر در کنار هم و ارتباط آن مفهومی است که ما از آن دریافت می کنیم.**
- **عناصر و فرم ها به عبارت دیگر« صورت» عکس« دال عکس» و رابطه ی بین آن به یک مفهوم و « محتوی» را « مدلول» می گویند.**
-
- **!نشانه شناسی**
- **علم نشانه شناسی به رابطه ی بین دال و مدلول می پردازد. در برخورد با یک عکس اول ما به سراغ نشانه ها می رویم.**

@pdfakasi

- **ابتدا در سده ی هفدهم توسط « جان لاک» و بعد از آن در اواخر قرن نوزدهم توسط « چارلز ساندرز پیرس» و « فردینال دو سو سور» با نظریاتی درباره ی متون ادبیات به وجود آمد اما در علوم دیگر نیز ورود کرد.**
- **امروزه به عنوان یک علم مطالعات فرهنگی تبدیل شده است.**
-
- **!در برخورد با یک عکس، ابتدا سراغ نشانه ها می رویم. نشانه با برداشت از تعریف «پیرس» به این شرح است:نشانه تصویری در واقع تصویر چیزی است که برای کسی به جای آن چیز از جهتی(تشابهات تصویری)و یا ظرفیتی(کادر عکس)قرار میگیرد که البته وجود داشته است(ابژه) ولی غایت است(یعنی عکس آن وجود دارد)در واقع عکس مصداق واقعی از آن چیزی است که در ذهن آدمی در گذشته معرفی شده‌است در اینجا نشانه‌ها به صورت تصاویر دو بعدی در برگیرنده‌ی شکل‌هایی است که در گذشته ما در آموخته‌ای خودشان آنها را شناختیم.(نشانه‌ها چیزهایی هستند که در طی آموخته‌ها در ذهن نقش بسته و در کادر جای گرفته و در ذهن مخاطب با دیدنش چیزی متبادر میشود.)**
- **!در طی دهه ی ۱۹۶۰ میلادی « جوزف کسوت» هنرمند مفهومی کار آمریکایی آثاری خلق کرد که تقریبا نظریه ی نشانه شناختی را مطرح می کرد. برای نمونه اثر « یک و سه صندلی)، در سال ۱۹۶۵ میلادی که شامل سه چیز بود.**
- **عکسی از یک صندلی، تعریف لغت نامه ی واژه ی صندلی که هر دوروی دیوار یک نگار خانه قرار داشت. می توان گفت عکس، نقش دال را دارد و تعریف روی دیوار به صورت نوشته کار مدلول را که با هم « نشانه» را می ساختند که مصداقش صندلی واقعی بود.**
-
- **!اثر مفهومی کسوت نشانه های دیداری و زبانی صندلی را در تقابل با هم قرار می داد. و بعد از بینندگان می خواست آن ها را با نمونه ای از یک چیز واقعی مقایسه کنند.**
-
- **!در علوم نشانه شناسی بارت به (عکس و مد) و کریستین متز در زمینه ی سینما می نویسند.**
-
- **!از دیدگاه نشانه شناسان امروزی نشانه ها به دو دسته تقسیم می شوند:**
- **شمایلی(** (iconic signیا **نمادین (** (symbolic sign
- **نشانه های شمایلی نشانه هایی هستند که اگر نه از همه ی جهات، اما از جهاتی شبیه یا نزدیک به چیزی هستند که به تصویر می کشد. تصویر آیینه بسیاری از ویژگی های چیزی را که انعکاس می دهد، دارد.**

@pdfkasi

یک عکس صندلی می تواند مانند صندلی شمایلی را داشته باشد اما هرگز فعل نشستن روی آن صورت نمی گیرد.

-
- !نشانه های «نمادین» نشانه هایی هستند که در ارتباط با مصداق هاشان اختیاری یا قراردادی است. تمامی عناصر بصری در عکس ها می توانند نمادین و یا شمایل و یا ترکیبی از هر دو باشند
- !مخاطب عکس به دال ها و مدلول ها و نشانه های نمادین و شمایلی توجه می کند
- !بارت توجه بالا را در عکس ، ورود به مفاهیم عکس از سوی مخاطب می داند
- !تحلیل فرم
- -چارلز جنسن: فرم مترادف شکل است، تشکیل دهنده ی یک اثر هنری و روابط بین این عناصر است
- فرم در عکاسی به اجزا خاصی رو به رو است خطوط، رنگ، درجه تیرگی و روشنی یا تونالیته، شکل، بافت و فضا، اجزا ان را تشکیل می دهد
- فرم، شکل ظاهری در عکس است
- منتقدان ق ۲۰: فرم ظاهر سه بعدی اجسام است(شکل ظاهر دو بعدی را در بر می گیرد)
- در عکاسی فرم و شکل بنا به ماهیت مجازی سه بعدی بودن، با هم برابر است
- -اغلب چند فرم اصلی در کادر داریم و مابقی فرم ها در زمینه و محتوای پسین عکس قرار می دهیم
- -اتین سویر(زیباشناس ۱۹۲۰تا۵۰) : اولویت بندی فرم در یک اثر هنری اهمیت ویژه ای دارد، فرم های اصلی بسته به نوع درجات دیدن در عکس ،فرم های ویژه ی بدن محسوب میشوند و اشکال حاشیه و زمینه و در واقع پسین زمینه ها "فون" تصویر محسوب می شوند که در تحلیل عمیق یک اثر فون ها تعیین کننده عناصر یک نقد ساختارگرایانه است .
- -رونه هوگ به فرم های موافق و مخالف اشاره میکند(همان تضاد تصاویر): برخی شمایل های تصویری برراساس نوع رنگ، کنتراست، ساچوریشن، تونالیته و قرارگیری در عکس ها می توانند متضاد یا موافق هم باشند
- -کنتراست بالا در عکس سیاه و سفید می تواند نوعی خشونت تصویری ایجاد کند
- -در عکس طبیعت وجوددتنالیته های خاکستری فراوان عکس را شاعرانه می سازد
- -بودن تضاد ها و هارمونی های هماهنگ در تصویر از جمله نشانه هایی ویژه در تجزیه و تحلیل یک عکس به حساب می آیند
- !عناصر تجسمی و تمهیدات:

@pdfkasi

- **-بعد از بررسی نشانه ها و فرم در عکس ها، تاثیر عناصر بصری در عکاسی و شناخت نحوه انها به نقد عکس کمک می کند**
- **-اصول تجزیه به نشانه ها و فرم مربوط می شود و تمهیدات تجسمی در تحلیل نقش دارد**
- **-تمهید تجسمی مجموعه ای از عوامل تجسمی (عناصر بصری یا فرم ها و فنون) هستند که به قصد رساندن یک تاثیر یا مجموعه ای از تاثیرات خاص در عکس به کار گرفته می شوند، ممکن است ساده(انتزاعی) یا پیچیده باشند**
- **-گونه های تمهیدات تجسمی:**
- **الف. نزدیک بودن عناصر و نشانه ها(هم آرایی یا هم گونگی عناصر و نشانه ها در عکس باعث ایجاد گروهی واحد برای ادراک بهتر تصویر می شود)**
  ب)شباهت یا انطباق :
- **-بین عناصر و نشانه ها**
- **-منظور از شباهت سینک بودن یا منطبق بودن عنصری با عنصر دیگر است .**
- **-منطبق بودن عوامل فرم و فون مانند عکس کلاه میلیر اثر جولیا مارگارت کامرون که کلاه حالت حاله قدسی گرفته.**
-
- **ج) تداوم :**
- **-قرار گیری عناصر بصری و فرم ها در کنار هم به طوری که مانعی برای درک آن ها پیش نیاید و گردش چشم را گم نکند مانند عکس دویدن کودک در مسیر پله ها از کارتیه برسون.**
-
- **د) تکمیل یا بستن عکس:**
- **-جداسازی کلی فرم ها به شکل سطح و با خاکستری های متفاوت چندان نشان داده میشود که اشکال به نمایش در آمده و فرم ها و نشانه ها همدیگر را در تمهیدات جسمی کامل می‌کند. اصول تعادل و توازن در تصویر به وجود می آید و در ذهن به صورت اشکالی آشنا متبادر می‌شود مانند تصویر مرد بلوچ.**
-
-
- **کاربرد این چهار عامل نزدیک بودن, تطابق, تداوم و تکامل در تحلیل تصاویر دو عملکرد دارد:**
- **(1کاربرد صوری: به کارگیری عناصر شباهت کنتراست و روش های نورپردازی و ایجاد وحدت صوری می کنند,**

@dfakasi

- **همچنین ایجاد انرژی هایی می کنند که ما را از اوج عناصر وارد تصویر می کنند تا متوجه فراز و فرود انرژی در عکس شویم.**
- **(2کاربرد تصویری: تمهیدات تجسمی و ارتباط بین فرمها باعث می‌شود بتوانیم برداشتی که عکاس داشته را کشف کنیم و نظر خود را صادر کنیم(معنای سوم).**

موضوع عکس و موضع عکاس:فاینینگر موضوعلت عکاسی را بر حسب عواملی که نقش اساسی در عکس دارند به دو گونه سوژه های ساکن و متحرک تقسیم میکند و برای هرکدام تمهیدات و ابزارها و تکنیک های ویژه عکاسی را بکار گرفته است.

- **فاینینگر طبیعت سوژه را نیز به سوژه های قابل لمس و غیر قابل لمس تقسیم میکند.**
- **فاینینگر اُثره اشای مادی را در عکس جزء سوژه های قابل لمس میداند،یعنی دال های عکس از نظر نشانه شناسی نیز موضوعات قابل لمس محسوب میشوند. اما مفاهیم و احساسات و هیجانات جزء موضوعات غیرقابل لمس یا مدلول های یک عکس محسوب میشود.**
- **فاینینگر کلیه عکاسان خلاقه و هنری را با موضوعاتی غیر قابل لمس میشناسد و عکس های عکاسان کاربردی موضوعاتی قابل لمس معرفی میکند. از دیدگاه وی عکس هایی ک تبلیغاتی باشد اگر جزءعکس های عکاسان مستقل حرفه ای باشد هم موضوع قابل لمس و در عین حال غیر فابل لمس است، به هر صورت سوژه ها و موضوعات چه قابل لمس و چه غیر قابل لمس در یک کادر عکس دارای تحلیل های متفاوتی از سوی بیننده است.**
- **سارا چاپلین موضوع هنر عکس را به دو گونه ی صورت و محتوا تحلیل میکند :یک اثر هنری باز نمودی ترکیبی از عناصر و نشانه هاست ک از صورت و محتوی تشکیل میشود و در نتیجه فقط میتوان انها را در قلمرو تفکر و نقد از هم جدا کرد.**
- **چاپلین موضوع را از محتوا جدا میداند، موضوع یک عکس در فهم کل تصویر مشخص میشود و محتوی به تک تک جزییات و خاصتر از موضوع میپردازد.**
- **چاپلین تحلیل تصاویر ار به تحلیل محتوا، تحلیل اسطوره شناسانه، تحلیل ژانر و سبک،تحلیل ساختار گرایی و ساختار شکنی،تحلیل بافت فیزیکی،بینامتنی و تحلیل هرمونوتیکیتقسیم میکند.**
- **!تحلیل محتوی: تحلیل محتوی بیشتر بر اساس شکل ظاهری و تحریفات تصویری صورت میگیرد. بارت بینش محتوی را در حالت اشکار و نهان بررسی میکند،محتوی اشکار به تصویر کشیدن فرم و شکل است(دال ها)و محتوی نهان کارکرد ابژه است که در نمود هایی از کاربست های اشیا در ذهن است(مدلول)**

@photoasi

- **بارت معنی صریح و معنی ضمنی را بکار میگیرد،معنی صریح معنای سطح اول(لفظی) و معنی ضمنی(تداعی شونده) سطح دوم را به ذهن متبادر میسازد.**
عکس فلفل وستون در لایه اول "فلفل" است اما در لایه دوم و معنی ضمنی "بدن سیاه پوستی " را تداعی میکند
- **در سطحی متفاوت تر "فلفل وستون نه تنها تداعی کننده است بلکه ویژگی شمایل شناسی آن ،فلفل"وستون" را اسطوره می سازد .**
- **پانفسکی در مقاله "معنا ها در هنرهای تجسمی "(1970) سخ سطح معنایی را مشخص میکند :**
- **(1طبیعی2)موضوع ثانویه یا متفاوت 3) معنی یا محتوای باطنی**
- **سطح اولیه یا طبیعی خود به دو قسمت واقعی و بیانی تقسیم میشود**
- **این سه سطح حرکت دید بیننده را از ظاهر به سوی باطن ژرف می رود**
- **و مهمتر : به اعتقاد پانفسکی شما چیزی را در تصویر می بینید که نظام آموزشی و فرهنگی به شما یاد داده است**
- **در سطح اول :خود فلفل سطح طبیعی واقعی و شیوه عکاس سطح طبیعی بیان هست**
- **در سطح دوم : مرحله قیاس با اشیا دیگر پیش می آید (بارت این مرحله را تداعی گری تصویر مینامد)**
- **در این مرحله بازشناسی شمایلی از یک شی رخ میدهد مثلا فلفل را شبیه یک سیاه پوست قوی هیکل در هم پیچیده میبینیم و اینجا موضوع باطنی ان منجر به چیزی میشود که به "تحریف محتوا " از سوی برخی معروف است**
- **اما دریافت مرحله دو نتیجه وقت گذاشتن بیننده بر روی تصویر هست**
- **در سطح سوم :پانفسکی توجه خود را معطوف به محتوای باطنی ،نپرش بنیادین یک ملت یک دوره یک طبقه و یا یک مذهب در "سطحی فلسفی " می کند (نکته : در تقسیم بندی بیننده به دو گروه عام و خبره ،بیننده عام عموما از درک این مرحله عاجز است و حتی نقد های حرفه ای را نوعی تحریف می داند خصوصا که یک قسمت از این مرحله به نحوه هدف عکاس مربوط می شود .خ)**
- **در این سطح معمولا و ناخوداگاه سراغ اندیشه عکاس نیز میرویم (اما نباید یگانه راه مرحله سوم باشد .خ)**
- **▲▲▲تحلیل در این سطح ،جستجو در معنا یا محتوای باطنی عکس است و ریشه در پژوهش های مختلف علوم انسانی دارد ▲▲▲**
- **در این سطح هست که قضیه تحریف هم پیش می آید چرا که بینندگان گاه چیزهایی میبابند که قصد عکاس نبوده و حتی خود عکاس نیز حیرت زده میشود**

@ofrakasi

- ✍نتیجه کلی✍: برای تحلیل محتوایی سطوح مختلف نیاز به شمایل شناسی ،شناخت تاریخ و فرهنگ و دین و سایر برداشت ها و جمع اوری امار داریم
- ✍نقد تحریف : تمام بینندگان "عام" به عکس نگاه میکنند که نتیجه ای منطبق با اندیشه خودشان داشته باشد و درون عکس های انتزاعی دنبال اشیا آشنا می گردند تا عکس را برای خود قابل فهم کنند این بزرگترین انکار شی در عکاسی را "نقد تحریف " می نامیم.
- ✍تحلیل اسطوره شناسانه : اهمیت عناصر بصری و انطباق آن با عناصر فرهنگی یک ملت رابطه مستقیم با به نمایش در آمدن عکس دارد
- بارت در یک عکس چاپ شده در پاری پچ از سیاهپوستی که یونیفرم ارتش فرانسه را پوشیده است و با دید از پایین عکاسی شده است در مقاله اسطوره شناسی معتقد است :سیمای سرباز و یونیفرم بر واقعه فروپاشی نظام امپریالیسم و نژاد پرستی در فرانسه اشاره دارد و به شکل خرافی اهداف تبلیغات جناح راست را می سازد
- ✍از نظر بارت اسطوره ها به فرهنگ توده (عوام) معطوف است تا شیوه کار عکاسان به گونه ای باشد که مردم بتوانند کهن الگوهای خود را با عناصر تصویری قیاس کنند
- بر خلاف بارت که عناصر اسطوره ای را در نمادها محصولات فرهنگی فرعی می داند ژاک دریدا حول مفاهیم بنیادین چون حضور ،حقیقت و اشکال واقعیت می جوید
- ✍از نظر دریدا لحظاتی وجود دارند که ارزش بازنمایی مجدد را برای مردمان امروز دارند و آن حقیقتی است که پیش روی ما در عکس هویدا میشود حقیقتی که برگرفته از نمادهایی است که قبلا به عنوان کهن الگو معرفی شده است .
  میشل فوکو هم تحلیل اسطوره شناسی را در تبار شناسی (اهداف و اصول یک فرهنگ) و در بازنمایی یادگرفته هایمان می داند .
-
- لاکان تحلیل اسطوره ای را در شناخت الگوها و نمادهای اجتماعی در خود با توجه به یافته های فروید می داند ما اصولا در ناخودآگاهمان یافته هایی را از قبل داریم که سعی میکنیم فرم ها و الگو های جدید را با آنها اندازه گیری کنیم
-
- تحلیل اسطوره از دیدگاه چهار فیلسوف (بارت – دریدا – فوکو و لاکان) به ما این را می فهماند که ما به یافته های فرهنگی ، که از قبل بوده چه تاریخی و معاصر به دنبال مفاهیمی هستیم تا بتوانیم در یک عکس ، آن را با فهم خود منطبق سازیم .
-

@pfakasi

- **تحلیل ژانر و سبک**
-
- **ژانر (** (Genreواژه ای است فرانسوی و معنای دیگر آن نوع **(** (kindسنخ **(** (typeوجه **(** (modeو **شکل (** (formرا در بر میگیرد .
-
- **ژانر به پرسش هایی مهم در باب ماهیت و جایگاه عکس و عکاسی دامن می زند و نیز یک طبقه بندی و یا گروه بندی آثار عکاسی است که عناصر ، نشانه ، مضامین و قواعد سبکی مشترکی دارند .**
-
- **ژانر در چارچوب شکل بیرونی (ساختار عکس) و شکل درونی (نوع نگرش عکاسی و قصد او) به دیده ی تحلیلی نگاه میکند ، عکاس میتواند با چیزی به نام رمزگان ماهیت فکری خود را نزدیک به نیت و قصدش از عکاسی را مانند کدهایی ویژه بگذارد و بیننده باید آن را مامند حل یک معما بگشاید**
- **"رمزگان " در نوع خود با تداوم وتکرار در عکس ها شخصیت و شیوه ی عکاس را نشان می دهد ، در اینجا رمزگان ماهیت شکل گیری سبک را به خود میگیرد**
- **شکل گیری سبک ؛ در تحلیل ژانر و گونه مشخص می شود این شکل گیری بر اساس " مسیر " و " تاثیرات " که قالب ذهنی بر روی عکس ها یک مجموعه از یک فرد یا چند فرد متحدالفکر به وجود می آید . شکل گیری سبک بر اساس تکامل صوری نمایش سلیقه و ذوق عکاس و بعد به تکامل فرهنگی ، نمایش نشانه های شمایلی و نمادین در یک سیستم یا نظام فرهنگی و تکامل شخصی راه و روش خاص و منحصر به فرد عکاس در شیوه ی ارائه در عکس هایشان را شامل میشود**
-
- **شکل گیری بر اساس تاثیرات ؛ عوامل بیرونی در شکل گیری سبک نقش ویژه ای دارند در هنر معاصر کار بر اثر هنری (در نوع ارائه) و نیز برخورد خود عکاس با جامعه ی منتقدان و بینندگان را شامل میشود**
-
- **شکل گیری سبک بر اساس قالب ذهنی و رویکرد عکاس ؛ مارگارت فینچ مورخ هنر ، چهار رویکرد را قالب ذهنی هنرمند (عکاس) می شناسد .**
- **رویکردهای آیینی (که قالی ذهنی) کهن الگو و اسطوره ای را در نشانه ها و عناصر سبک ساز عکس موثر میشناسیم ، رویکرد عینی که بر اساس جنبه های قابل مشاهده بر روی موضوع تاکید دارد که به جنبه های عملی مانند واقعیت مربوط به زمان عکس برداری (با توجه به فضای فکری) و مکان (با توجه به جغرافیا و فرهنگ حاکم بر آن).**

رویکرد کلاسیک به نقل فینچ:عوامل قالب ذهنی عکاسی به این معنا که عکاس به منش والا و ایده آل یک

هنرمند می‌اندیشد و سعی دارد که ایده‌آل خود را با جامعه هنری همسان سازد چیزی که برت اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی در هنر عکاسی می‌داند.

- **!رویکرد عاطفی:تاکید به درونیات عکاس و احساسات آن در هنگام عکاسی به خصوص در عکس‌های مستند از هر نوع این رویکرد ذهنی عکاسی است.**
- **!تحلیل ژانر و سبک نوع ویژه‌ای از تحلیل است که به مسیر تکامل عکس به سمت سبک منحصر به عکاسی کمک می‌کند و نیز بیننده را برای گرایش معماهای ذهنی هنرمندان به کاربردن عناصر بصری به شکل و فرم‌های ارائه شده رهنمود می‌سازد.**
- **تحلیل ساختارگرایی**
- **!ژان پیاژه_کتاب ساختارگرایی:ساختارگرایی یک روش تحلیلی است نه یک آموزه**
- **!ساختارگرایی در دهه‌های1910م و 1920م در روسیه با نظریات یاکوبسن در فعالیت فکری خود ادامه داد که امروزه آنها را به فرمالیست‌های روسیه می‌شناسند.**
- **!بررسی شش کارکرد زبان(در اینجا عکس و عکاس)یاکوبسن:**
- **۱.فرستنده پیام (عکس)**
- **۲.گیرنده‌ی آن(بیننده)**
- **۳.خود پیام(موضوع عکس)**
- **۴.زمینه‌ای که پیام در آن شکل می‌گیرد یا فرستاده می‌شود(فضای موجود و موضوع عکاس)**
- **۵.رمزگان که زبان(عکاسی)با آن بیان می‌شود و با امکانات و محدودیت‌های آن همخوان است(شیوه ویژه عکاسی)**
- **۶.رسانه‌ای که در آن پیام اصطلاح فرستاده می‌شود(انتشار و ارائه عکس)**
- **!عکس نظام‌مند است زیرا از ابژه‌هایی که روبرویش است یا برداشت نور به روی امولیسیون یا سطح حساس تشابهات انجام می‌دهد در نتیجه این نظام برای زمینه‌ای تاریخی و اجتماعی،روان شناسانه و فرهنگی شکل میگیرد.**

تحلیل پسا ساختارگرایی(ساختار شکنی)

- **در تحلیل اجزا یک عکس و ارتباط آن با درون عکس(موضوع) می توان معناهای گوناگونی یافت و امکان تغییر در مفهوم و گرایش به مفهوم جدیدی که شاید در بافت عناصر وجود نداشته باشد. و فقط «من متخصص» آن را دریافت می کنم و بیننده ی عادی نزدیک به این معنا و مفهوم نمی شود! و موجب شک در تحلیل ساختاری می شود که در سال ۱۹۶۰ میلادی ژاک دریدا در تحلیل زبان شناسی آن را ساختارشکنی و به زبان ادبی پسا ساختارگرایی می گویند.**

@pdfkasi

-
- » !فرایند عظیم تخریب معنا (ژان بودریار) به هم ریختگی در مرزهای اجتماعی و حوزه های فرهنگی را در پی خواهد داشت.»
- درباره ی عکس فلفل وستون می توان تعابیر مختلفی در معنای آن باشد.
- فرانسوا لیوتار این شیوه قهرمانی یا بت وارگی را محکوم می کند و آن را شکاف در بازنمایی معنا می داند.
-
- !سوزان سانتاک در مقاله ی معروف « علیه تفسیر» می نویسد: « گاهی پیش می آید که مفسر چنان عناصر یک عکس را به هم می بافت که عنصر سومی که در عکس وجود ندارد را از ذهنیت خود می سازد.سونتاگ نتیجه گیری عنصر مفهومی (البته متافیزیک) z را زاییده ی تخیل بیننده می داند.
در تحلیل بینامتنیت ویژگی عای نیت عکاس بعنوان مولف در نظر گرفته نمیشود بلکه در این تجزیه و تحلیل به عناصر و نشانه ها در عکس توجه میشود و روابط اجرایی آن با دلالت های تاریخی و اجتماعی آن فرهنگ(در زمان بوجود آمدن فضای فکری) تجزیه و تحلیل میشود.
- !این تطبیق عناصر در ساختمان یک عکس با فرهنگ های مختلف تصویری ،نوعی بازی و نشانه بی پایان نشانه پردازی است که عکس خود را به مثابه یک شعر بر بیننده مینمایاند.
- پیکتوریالیسم در سال ۱۹۱۲ در عکاسی پایان یافته بود و گروهی در وضوح و عمق میدان زیاد در عکاسی به روشی دست یازیدند در عکاسی که عکس را به شیوه ای کاملا عکاسانه ارایه میدهند، تاکید بر روی وضوح تصویر و عمق میدان زیاد عکاسی را به یک رسانه ویژه سبک دار تبدیل کرد، این جریان به عینیت نوین مشهور است هر چند که این نظریه از عکس های رنگرپاتج نیز گرفته شده است اما گسترش آن در عکس های گروه F64 دیده میشود.
- !عینیت نو بر جنبه های گوناگون زیبایی اشیا روزمره که در هیاهوی زندگی مدرن به آنها توجه نمیشد تاکید دارد.
- نوعی رک سازی در عکاسی که ویژه عکس های آنسل آدامز،پل استراند،و بعد ها در عکسهای هری کالاهان دیده شد، هر کدام با یک نوع ارایه ویژه تصویری، نوعی فرهنگ تصویری بوجود آوردند که از عینیت نوین تبعیت میکرد.
- !توصیف:تجزیه و تحلیل عکس به آنچه در عکس است یعنی عناصر بصری درون عکس و ارتباط اجزای آن با یکدیگر میپردازد.
- !توصیف نوعی توضیح راجع به عکس است،طرحی است که درون ذهن ما شکل میگیرد، و ما بر اساس آن میتوانیم پروژه عکاسی را سرزنش یا ستایش کنیم و بر اساس ارزیابی ماست که بینندگان میتوانند عکس

هارا بیشتر درک کنند.

اطلاعات اولیه ازردرون عکس برمیخیزد که ما تجزیه تحلیل میکنیم

- **چگونگی ارائه اثر در نمایشگاه یا کتاب هم برای بیننده و هم برای عکاس اهمیت دارد**
- **تماس با اصل عکس در مقایسه با همان عکس به صورت لیتوگرافی یا چاپ دیجیتال متفاوت است، ما با تمامی اصل عکس از راه دیدن حظ بصری می بریم گویی اطلاعات یک نسخه عکسس چاپ شده توسط عکاس انرژی اسرارآمیزی دارد که از انرژی خالق آن نشات میگیرد اما با چاپ نسخ لیتوگرافی آن این انرژی از بین می رود و باز نظریه محاکات مایمسیس افلاطون را پیش می کشد: اصل عکس برابر نور متاثر شده بر روی امولسیون از خود شی است**
- **دریافت اطلاعات ظریف یک عکس از روی اصل عکس و نوع جانمایی آن با چاپ عکس در یک کتاب یا یک مقاله یک نشریه تفاوت زیادی دارد**
- **ما دریافت های زیبایی شناسانه خود را از انرژی هایی که در عکس به صورت هاله هایی یا رشته هایی نامریی تنیده میگیریم**
- **والتر بنیامین بر تشکل تماس با اثر هنری تاکید دارد :از نظر کمی ، بیشترین بازده هنری در روزگار ما از آن هنرهایی است که به ابزار فن آوری جدید استوار است و موجب تولید اثاری هستند که در خود ادعای جاودانگی ندارند**
- **اگرچه عکس مانند فیلم رویارویی یک داستان دو یا سه ساعته را ندارد اما بی ادعایی ان در نشان دادن یک فریم است که بارانی از اطلاعات را بر سر بیننده و منتقد میریزد**

مک لوهان رویکرد دیگری در باب تماس مستقیم با یک عکس دارد، او نوک پیکان نقد خود را به سوی هنرهای دیداری د شنیداری می برد.

- **او هنرهای شنیداری(موسیقی،شعر و داستان) را به خاطر حضور راوی دارای ارتباط گرم می داند، تلفن را رسانه ای سرد می داند چون گوشی و شنیدار نمیتوانند جای رساننده معنا را بگیرند**
- **کتاب را (وجود الفبا و ارائه شکل گرفته معناها در کلمات و جملات) رسانه ای گرم و حضور تلویزیون در پیام رسانی (مخدوش کردن ارتباط خانوادگی) را رسانه ای سرد می داند**
- **عکاسی گرم است چرا که با یک عکس هزاران خاطره به ذهن بیننده متبادر می شود**
- **لوهان توصیف یک عکس را اشاره به رسانه نمی داند ، توصیف عکس خود رسانه است زیرا باعث تماس بین ادمیان می شود**
- **هدف توصیف باز آموزش یافته ها و گرداوری اطلاعات برای استنتاج است**

@ofakasi

- **عکاسی کلام چشم و کلام جسم (در اینجا چشم) نوعی رسانه است که پیام های فراوانی دارد تا شرح دهند**
- **به دلیل شکافتن اطلاعات بعد از تحلیل هایش خود رسانه می شود، پیام می شود**
- **گاه نقل از افراد منتقد شهیر در باب یک عکس یا عکس های یک نمایشگاه و یا یک کتاب عکس ان عکس ها را مشهور می سازد**
- **از دید مک لکوهان توصیف کننده درباره اثر هنری چون خود اثر را از نزدیک می بینند خود به رسانه ای قوی مبدل می شود.**
- **عکاسی بازنمودی مکانیکی و فیزیکی نور هست بنابراین استفاده در ابزار در شرح عکس های یک نماشگاه اهمیت پیدا می کند**
- **کیفیت عکس‌ها چه پایین یا بالا باشد عکاس را وادار می‌سازد از دوربین و عدسی‌های ویژه‌ای و نورپردازی خاصی استفاده کند.**
- **عکس‌های ریچارد آودن در کتاب چهره‌های غرب که از چهره‌های ناشناس حرفه‌های مختلف به گونه‌ایست که مخاطب نمی‌تواند بفهمد که کجای تصویر نورپردازی شده است.استفاده از نگاه‌های خیره به دوربین (که در عکس‌های دایان آربوس و براساس زیاد دیده می‌شود.)حضور دوربین را برای افراد محرز می‌کند بنابراین هر چه در عکس است چهره‌هایی هستند که تماما از نظر روانشناسی خود را در اختیار بیننده قرار می‌دهد.**
- **دو شیوه‌ی عکاسی پرتره توسط آودن که سعی کرده با ساده‌ترین حالت چهره‌ها عکس خود را از درون رسوا سازد و یوسف کارش که برعکس آودن بازی‌های نوری زیادی به وسیله نورپردازی استودیوی انجام شده تا چهره ها را آن‌گونه که هستند با اغراق روانشناختی نشان دهد،نشان می‌دهد که استفاده از ابزار چقدر در رساندن اطلاعات درون عکس و شرح عکس به ما کمک می‌کند.**
- **توصیف پرتره‌های آربوس توسط سونتاک_کتاب درباره‌ی عکاسی:آربوس با فلاش مستقیم در درون صورت سوژه‌هاو یا بک‌گراندی از محیط ناشناخته(که نمی‌دانیم کجا هستند)عکاسی می‌کند.**
نگاه های خیره به دوربین عکاسی آربون افراد عجیب الخقله را بیشتر عجیب می کند " او به بک گراند هایش اهمیت نمیدهد بلکه زمینه را برای ویران گری ذهن بیننده می خواهد "
- **برای بیننده خبره شرح استفاده از ابزار و فن آوری (در نوع نورپردازی ، چیدمان اشیاء ، بک گراند ها و تونالیته ها و کنتراست با ابزار تاریکخانه ای و چاپ و نحوه ارائه) مهم است**

- **منتقد هنگامی می تواند ابزار (کار ماده) را بهت توصیف کند و تشریح کند که اطلاعات را از خود عکاس ، کاتالوگ و یا شرح مختصر تهیه شده توسط ناشر و یا متصدی نمایشگاه را در اختیار داشته باشد**
-
- **توصیف موضوع عکس ها**
- **در تحیلی یک عکس ما نشانه ها را کنار هم قرار میدهیم تا موضوعی از یک عکس را دریافت کنیم ، " مدلول " یک عکس " فهم " عکس است از آنچه عینی شده است .**
-
- **درباره توصیف یک عکس به جهت در نظر گیری موضوع چند چیز را باید در نظر گرفت ؛**
- **الف : فضای تفکر عکاس**
- **ب : ابژه (موضوعات درون عکس)**
- **ج : فضای ارایه عکس**
- **د: بررسی و برخورد مخاطبان (عام حرفه ای ، خبره و منتقدان)**
-
- **هگل فیلسوف آلمانی ، معتقد است که " در بهترین آثار هنری میان صورت (موضوع بصری عکس) با روح (معنا و ایده آل های عکاسی) توازن و یگانگی وجود دارد و در واقع هیچ یک بر دیگری برتری و سلطه ندارد " . اگر دقت کنیم میبینیم که تمامی توصیف های (موضوعی) کنش ها و داده های فراتر از بیان ظاهری هنرمند است**

سایش ها و سرزنش ها: ستایش پولیکراتس نوعی ستایش از نام و شهرت خالق اثر است که در نقد پسا ساختارگرایان مردود است؛گاهس عکسهاس گرفته شده توسط فلان هنرپیشه یا فلان کارگردان معروف به جهت شهرتشان از سوی بینندگان با ستایش روبرو میشود در حالیکه اثار انها فاقد ستایش عکاس است.در اینجا انحراف توصیف به جهت درگیری ذهن بیننده و خود قبولاندن ان است که فلان نامدار و اسطوره این عکس را گرفته پس به طور حتم عکس فوق العاده ای است.

- **گاهی عکاسان در توصیف عکس هایشان سرزنش هایی میشوندکه در صورتی که به معنای انتقاد مبارز باشد و حتی در ان افراط شود از پروژه عکاسی شان زده میشوند و اگر با بی عدالتی و به طور بی رحمانه با ان برخورد شود به دفاع از افکار و عقاید خود میپردازند و نیز گاهی مقابل بینندگان عام با بکار بردن واژگان تخصصی دفاع میکنند و از ناآگاهی بیننده با فرصت طلبی موضوع عکس هایشان را توجیه میکنند.**
- **هانی کلر:هیچ هنرمند بزرگی از نقد بی رحمانه در امان نمیماند،هرکه میخواهد منتقد شود نخست باید اشتیاق های مخرب نیرومندی داشته باشد و سپس اینکه اشتیاق منفی بسیار ساده تر از اشتیاق مثبت ظهور میکند.**

@ohakasi

- **روش های سرزنش اثار عکاسی بسیار است از انتقاد(نه به معنای نقد)به فضا،موضوع مخاطبان و یا نشر گرفته تا نوع پوشش عکاس و حتی قیافه انان به صورت های مختلفی در توصیف اثار استفاده میکند. همچنین روش های ایدئولوژیکی نیز در نظر برخی از تخریب کنندگان اثار است.**
- **ستایش و سرزنش عکس ها زمانی خوب است که ستایش بی طرفانه و با در نظر گرفتن خود عکس باشد و یا سرزنش زمانی صورت میگیرد که منتقد اگاه در شرح عکس ها،در شرح عکس ها اگاهانه به نفسیر و توضیح عکس میپردازد .**
- **ایرونیک واردل:سرزنش و ستایش یک اثر هنری زمانی ارزش پیدا میکند که توصیف کننده اثر بتواند با گفتار و شرح خود ارزش های هنری اثر را به خالق ان نشان دهد و اگر انحرافی در موضوعات باشد به او گوشزد کند،نه انتقاد و نه جبهه گیری باشد که خودش را به خالق اثر تحمیل سازد.**
تفسیر به معنای فهم اثر هنری و پدیدار کردن محتوای عکس است.
- **فهم عکس,فهم درونمایه ها و معناهای آن.**
- **سونتاگ:تفسیر یک استراتژی رادیکال است برای حفظ آن متن قدیمی که بنظر با ارزش تر از آن میرسد که کنار گذاشته شود.تفسیرگر بی آنکه در عمل چیزی را از متن حذف یا آنرا بازنویسی کند دگرگونش میکند.تفسیر فقط تحسین نیست که بی مایگی نثار نبوغ میکند.**
-
- **تری برت(کتاب نقد عکس):تفسیر کردن به معنی اظهارنظر درباره ی نکات ,مفاهیم,معنا ,درونمایه و یا حال و هوای عکس است.**
- **تفسیر فراتر از توصیف برای گشودن رمز معانی است.البته رمز معانی نباید بیشتر از آنچه درون عکس است,باشد.**
- **ما باید محتوا را چنان تقلیل دهیم که بتوانیم آنرا ببینیم.**
-
- **تفسیر نوعی فرافهمی اثر هنری است برای درک بهتر اثر و درک کردن آنچه منِ منتقد می گویم و از عکس مفاهیم پدیدارشناسی را بیرون میکشیم.**
-
- **تجزیه و تحلیل: چه بودن ها**
- **توصیف: چگونه بودن ها**
- **تفسیر:چیستی و چرایی**
-
- **پدیدارشناسی: دانش کشف واقعیت در عکس است.**

@drakasi

- **مطالعه قوانینی است که حاکم بر عالم وجودی عکس است.**
- **آبژه توسط دوربین ثبت میشود,واکنش ذهنی انسان به محصور کردن تفکر خود با بازی عناصر و فرم در کادر.**
- **بیننده با دیدن عکس به محتوای آن که ایده عکاس است میپردازد(قوام بخشی از نظر هوسرل).**
- **این دریافت شهودی چه در بیننده چه در عکاس هنگام خلق ایده موجب دریافت معانی تصویر میشود(طریقت همدلی و ایجاد ارتباط همگانی) که این نوع دریافت تفسیری را باید دریافت اگزیستانسیالیسم یا اصالت وجود دانست که جزء پدیدارشناسی کلاسیک است.**

همدلی از دیدن پدیده‌های زیبا در عکاسی موجب فرایندی در بیننده می‌شود که این افراط در قوام بخشی ایده عکاس در خود را لذت بصری گویند.

- **موریس گیگر:**
- **_زیبایی شناسی علمی در باب ابژه یا سوژه‌های زیبا**
- **_لذت در زیبایی شناسی نشأت از نوعی شهود عناصر در کادر عکس است که برای بیننده امکان دریافت لذت هنری را فراهم کند لذت یا خط بصری که در باطن انسان و نیز در سوژه‌های زیبایی یک عکس وجود دارد.**
- **رومن اینگاردن:بیننده عکس با آثار عکاسی می‌تواند دو برخورد انفعالی (به حدس گمان و وارد کردن آگاهی‌های خارج متن و فضا تاکید دارد که سونتاگ آن را نوعی برخورد بل خطر انحراف تفسیر می‌شناسد.)و برخورد فعال(به سیر در کلیات و تمامیت عناصر عکس که به معنای نهایی(به صورت نسبی)دریافت می‌شود،تاکید دارد)داشته باشد**
- **پدیدار شناسی به عناصراصلی عکس می‌پردازد که از توصیف عکس فراتر رفته و ما می‌توانیم به ماهیت و عمق عکس پی ببریم.**
- **هایدگر:**
- **_پدیدار شناسی(عکاسی)به ماهیت و نحو شناسی و یا آگاهی کاری ندارد بلکه مسأله به وجود_هستی و یا به ماهیت و آگاهی بخشی از وجود سر و کار دارد.**
- **_پدیدار شناسی آور هنری(عکاسی)تحویلی نیست بلکه تأویلی و نیت‌مند است.پدیدار شناسی با دو عمل همزمان ساخت و تغییری دیگری واساخت یا تخریب صورت میگیرد.**
- **_هایدگر–عمل عکس‌برداری:موجب تخریب ابژه در عین حال باز ساختن صورتی جدید می‌شود که از خرد متفاوت و نیز مفهوم سازی خارج می‌شود ودر واقع یک قالب شعری(الهامی و نیت‌مند)تولید می‌کند.**

@pdfkasi

- _اثر هنری در شکل زیبایی‌شناسانه ظهور نکی‌کند بلکه در قالب شاعرانه و هنری به ظهور می‌رسد که نوعی پهلوانی دیدن است که از حقیقت (راز)هستی بروز و ظهور پیدا میکند،حقیقتی که وجود داشته و عکاس در بزنگاهی آن را بر روی سطحی حساس ثبت می‌کند.
- _هر چه در برابر دوربین قرار می‌گیرد دز کلیتش وجود داشته و سپس با انتخاب عکاس آیت هستی به نظم ثبت در می‌آید«عکس»خود یک عالم می‌شود،یک رخداد تازه ،یک حقیقت تازه که تفکر و ایده عکاس آن را به چالش می‌کشند.عکاس اثری را خلق نمی‌کند بلکه آن را ظاهر می‌سازد نمی‌آفریند بلکه آشکارش می‌سازد.
- در عکس فلفل وستون با توجه به تفاسیر هایدگر نوعی واساخت یا تخریب در جوهره شی به وجود می‌آید.
- تغییر کارکرد ابژه و ساخت کارکرد جدید یک رخداد تازه برای شی اتفاق افتاده است و آن ماهیت به چیزی که عکاس آشکارش کرده تبدیل شده،نوعی نگاه عکاس به مثابه شهری به پدیده‌های اطراف خو است.
- پدیدارشناسی در تفسیر یک عکس کارکرد مکاشفه حقیقت را با بحث میان محتوا و صورت که در تفسیر هنری محور محسوب میشود،ادامه دهد و پرسش‌هایی را به‌وجود آورد.این حالت در تفسیر مربوط به عکس‌هایی می‌شود که چیستی یک ابژه را زیر سوال می‌برد و در پی تخریب یک تغییر بزرگ به‌وجود می‌آید که مایه تغییر خودمان از آن تغییر یک ساخت در ذهنیتمان رهنمون می‌سازیم که عکاسان این مهم را جزء تفکر عکاسی خود می‌دانند

استعاره و مجاز مرسل:چرایی تصویر عکاسی شده علاوه بر پدیدار شناسی که به کشف حقیقت عکس ما را نزدیک میکند استوار به دو شیوه‌ی بیانی در تفسیر عکس به استعاره و مجاز مرسل است که از نظریه‌های ادبی یاکوبسن است که ما با تفسیر جانشینی و همنشینی در عناصر یک عکس از آن یاری میجوییم.

- استعاره:انتخاب یا گزینش عکاسی از یک بعد دیداری شامل عناصری که در یک کادر ،از میان گروهی از عناصر بصری دیگر موجود انتخاب می‌شود و این نوع انتخاب عنصر بصری از جهاتی با سایر نشانه‌ها و عناصر تفاوت دارد .تفاوتی که با روابط مبتنی بر شباهت‌های درونی عناصر با ذهنیت زیسته شده‌مان مطابقت یا قیاس می‌کنیم.
- برداشت از یافته‌های یاکوبسن:استعاره اساسا با شباهت یا بهتر بگوییم جانشین عناصر نسبت دارد،استعاره از در گزینش و انتخاب عکاس از عناصر عاریت می‌جوید.این منش جانشینی عناصر به جای عناصر ذهنی دیگر می‌دانیم.تفسیر به بیان حالتی،شخصی چیزی یا کنشی می‌پردازد.بر حالتی،شخصی چیزی یا کنشی دیگر دلالت می‌کند تا میان آنها همانندی یا قیاس برقرار شود.

- فلفل وستون:فلفل به جای بدن یک سیاه پوست برداشت شده یعنی عنصر(بدن)جانشین عنصر(فرم فلفل)می‌شود،مدعی شد که کلیه عکس‌های انتزاعی و هنری و خلاقه تفسیر استعاری را به خود می‌پذیرند.
- از قبیل عکاسانی که معنای جانشینی را در عکس‌هایشان استفاده کردند،می‌شود از آلفرداستیگلیتز با مجموعه آوای آسمان،موهلی ناگی و من ری با فتوگرام‌های خود و نیز رابرهاوز و دنیس بریهات با رئالیسم جادویی دنبال عکس‌هایی با دلالت استعاری بودند.استعاره در تفسیر عکاسی بدنه اصلی عکس نیست بلکه یک چاشنی مهم است و چاشنی فهم هیچ‌گاه خود،موضوع کلیت عکس نیست استعاره یک طعم دهنده است که غذا را خوش خوراک و خوشمزه می‌کند(متافور)اما خود چاشنی نمی‌تواند غذا باشد.
مجاز مرسل در تفسیر:ترکیب یا پیوند عناصر و نشانه‌ها که به نشانه‌خا یا عناصر دیگر برای ساختن بافت بیرونی از عکس می‌انجامد.در عکاسی و بیشتر در عکاسی مستند و عکاسی کاربردی عناصر عکس‌ها استوار به همنشینی هستند نه تشابهات یا جانشینی.
- مجاز مرسل گونه‌ای خاص از تفسیر موضوعی عکس است که در آن کل به جای جزء و یا جزء به جای کل قرار میگیرد.
- از مناسبات قبل و بعد عکس در ظرفیت زمانی و مکانی پی می‌بریم،دلالت ما بر وجود مکان‌ها و عناصر دیگر را همنشینی عنصری در کنار عنصر دیگر می‌انجامد.
- تفسیر مجاز مرسل در نقد ادبیات به ادبیات رئالیستی و در سینما کمک شایانی می‌کند.
- در نمادپردازی،حالت‌های سمبولیک و شعرگونه فرایندهای «همانندسازی»(جانشینی)را در بر دارد که تفسیر استعاری را می‌طلبد و درجای دیگر اگر فرایند مجازی «جابه‌جایی» و ادغام موضوع که موضوعات جانبی را در برگیرد را در تفسیر مجاز مرسل دانسته می‌شود.
- عکاسی نوعی عالی بازنمایی است و خود مؤلفه اصلی به شمارش نمی‌آید و در خود گاهی هر دو فرایند مجاز مرسل و استعاره را در بر می‌گیرد.
- عکس‌های جاکوملی از کشیشان رقصنده،عکس‌های رئالیسم جادویی روبرت هاوزور،مستندات روبرت دانو عکس‌های عجیب و غریب دایان آربوس در برگیرنده‌ی هر دو فرایند جانشینی و همنشینی می‌باشد.
- سه شیوه‌ی تفسیر (استعاری و مجاز مرسل)با برداشت از تفکر جان لاک و دیوید هیوم:شباهت،تقارن(رابطه میان عناصر عکس که مبتنی بر عرف و عادت دیداری و یا حافظه چشم است.)و ارتباط(رابطه میان عناصر تصویری و طبقه‌ای از عناصرمترادف در عکس)
- نیکولاس بوزه،در دستورالعمل فرانسوی با استفاده از طبقه‌بندی معانی «شباهت‌ها»را استعاره و مجاز مرسل را به «تقارن» و اگر مجاز از جزء به کلیت موضوع در عکاسی باشد را به ارتباط معرفی می‌کند.

- **دلالت صریح و دلالت ضمنی در تفسیر:دلالت صریح و دلالت ضمنی دو اصطلاح نقد که در تفسیر عکس در چارچوب معناشناسی برای تمایز میان معنای مفهومی یا ارجاعی عناصر در یک عکس با معناهای تداعی کننده آنها در بافت کاربردهای عکس و عکاسی استفاده می‌شود.**
- **دلالت صریح به برداشت ما از عناصری در عکس که سازنده وجه مشخص است ،مربوط می‌شود. دال های عکس معرفی شده ، عبارتند از : پیرمرد ، چرخ ریسندگی ، زمینه سفید و روزنامه در دست پیرمرد و مدلول های عکس پیرمردی با لباس هندی (نیمه برهنه) به صورت سنتی در حال مطالعه است**
- **تحلیل ، در اینجا باید جای خود را به توصیف بدهد . در واقع ما در توصیف این عکس به دلالت صریح اشاره داریم (مهاتماهای گاندی در حالی که با عینک گرد خود در حال مطالعه است در جلو تصویر (فورگراند) یک چرخ ریسندگی است . از این دلالت صریح گذر میکنیم و به دلالت دیگری که در اصطلاح به آن دلالت ضمنی می گویند می پردازیم ؛**
- **خانم بورگه وایت در زمان عکس برداری از گاندی به پیشنهاد هوشمندانه گاندی گوش فرا میدهد و وی را در حال مطالعه روزنامه در بک گراند یک چرخ ریسندگی عکاسی میکند و گاندی به مطالعه می پردازد ، جلو عکس در وضعیت ساده در حالی که چرخ این " نخ ریس " نماد چرخ اقتصادی هند است (استعاره) و نیز او از نخ ریسیده شده ، خود تنپوش سفیدی بافته و بر تن کرده که اعلام استقلال اقتصادی خود باشد وی نیز در حال کار کردن به مطالعه مشغول است ، شاید به قانون هند می اندیشد (مجاز مرسل) چاپ این عکس بر روی مجله لایف در جهان غوغایی به پا کرد ، یعنی تغییر مسیر تاریخ استعمارگران در هند ، این عکس در حقیقت اعلام استقلال هند بود .**
-
- **چرخ ریسندگی و گاندی رهبر آزادی بخش هند اعلام نوعی مانیفست علیه استعمارگران بود ، این معنی " اعلام استقلال هند " در این عکس معنای مضاعف عکس است که بارت آن را به عنوان " معنای سوم " عکاسی معرفی می کند .**
- **از منظر بارت نخستین درجه معنا ، ارایه اطلاعات و نشانه های تصویر (عناصر بصری) است ، معنای دوم ، نمادین است در حد دلالت گری که با " علوم نشانه شناسیک " یعنی روانکاوی ، اقتصاد و نمایش شناسی دانسته می شود و در سومین معنا ، بارت اشاره به افزونی معناهایی دارد که با دلالت ضمنی همراه است .در معنای سوم است که واژگانی مانند ؛ قانون ، دموکراسی ، حق و .... در عکس های متفاوت ، معناهای گوناگونی به خود می گیرند .**
- **عکاسان تبلیغاتی نیز به گونه ای عکس برداری می کنند که بیننده عکس معنای سوم عکس را دریافت می کند و بی اختیار جذب عناصر عکس می شوند .**

جان سارکفسکی:عکاسان به هنگام کار و ضمن رویش استعداد هایشان خصوصیت تصویر در عکس هارا کشف کرده اند،اگر این مطلب صحیح باشد،تاریخ این رسانه را باید تاریخ اگاهی روزافزون عکاسان از خصوصیان وسایل ذاتی این رسانه تلقی کرد .

- **_1خصوصیت خود شیئی:عینیت تصاویر جدا از اینکه قانع کننده یا قابل بحث باشند،از خود واقعیت انها متفاوت است.بخشی ازواقعیت در تصویر ثابت که چندان هم واضح نبود منعکس و در قسمت دیگر با وضوح غیر طبیعی و مبالغه امیز نشان داده میشد.**
- **_2خصوصیت جزییات:عکاسی وابسته به عیین اشیاست و مساله اش این است که اشیا را وادار به حقیقت گویی میکند؛عکاسی نوعی نمادین از نشانه هاست نه یک روایت یا یک داستان.عکاسی وابسته به امور مسلم اشیاست.**
- **_3خصوصیت کادر یا قاب:کار اصلی عکاسی عمل انتخاب و حذف است که باعث میشود به حاشیه عکس یعنی خط فاصل بین داخل و خارج عکس و یا به اشکالی که با ان خط بوجود امده اند و یا به اشکالی که ایجاد کرده حلب شود.**
- **_4خصوصیت زمان:عکس مجصول یک زمان ویژه است پیوستگی در این زمان وجود ندارد. جادثه ای که در لحظه قطعی رخ میدهد و انچه حاصل میشود تصویر است و نه داستان. تاریخ عکس برداری عکس توصیف زمان تولید ان است زمانی که اگر پیوسته صورت گیرد میشود فیلم و اگر برعکس خیلی لنتزاعی میشود نقاشی. اما عکاسی نماد است نمادی که روایت یک خیال نیست بلکه واقعیت است که در زمان کوتاه اتفاق می افتد.**
- **_5دیدگاه مسلط نقطه دید:عکاس خود میتواند بعنوان یک نظریه پرداز تصویری دیدگاه و یا افق جدیدی را در جهان تجسمی،دیداری،ایدئولوژیکی بوجود اورد که منحصر به فرد است.**
  ابژه در عکس های انتزاعی و نامتعارف به صورتی به نمایش در می آید که از ایده های تجربه شده و رمانتیک عکاسی بر می خیزد.
-
- **عکاس می کوشد تا با ایجاد مجازها و استعارات، دلالت های صریح خود را بیان کند.**
-
-
- **در دیدگاه آیینه های آثار عکاسان پیکتورال و « تصویرسازی» ارائه عکس با کولاژ و مونتاژ آثار فتوگرام و ورتوگراف(عکاس با وسیله ای مانند زیبا بین) و دیگر آثار خلاقه که از جهان درونی هنرمند تراوش می شود، همسویی پیدا می کند. نقد آیینته ای ما را بهسمت تاویل سوق می دهد.**
-

@ofakasi

- **سارکوفسکی در مقدمه کتاب آورده است که در دیدگاه رمانتیک ، مفاهیم عالم منوط به ادراکات خود ماست.**
- **موش صحرایی، چکاوک، و آسمان مفاهیم خود را از تاریخ تحول شان کسب نمی کنند بلکه بر اساس استعاره های بشرمدارانه ای که برایشان تعیین کرده ایم مفهوم پیدا می کنند(ایینه ها) دیدگاه رئالیست بر این باور است که جهان مستقل از توجه انسانی وجود دارد که شامل الگوهای قابل اکتشافی برای معانی ذاتی است و این که هنرمند با تشخیص این الگوها و ایجاد نمونه ها و نمادها از آن ها به مدد جوهر هنرش با بینش گسترده تری پیوند می یابد.(پنجره ها)**
-
-
- **تفسیر پنجره ای بیشتر به عکاسی مستند و قالب هایی نظیر آن تکیه دارد، احساسات و دستکاری در این نوع عکس ها راهی ندارد.**
-
- **رسالت هنرمند عکاسی واقع گرا آن است که با شرافت و وجدان آنچه را که مستند می سازد را دقیق و واضح به جهانیان عرضه دارد.**
- **فرانسیس بیکن معتقد است که مشاهده ی دقیق و تفکر درباره ی چیزها انچنان که هستند به مراتب ارزنده تر است.**
- **تاویل همان طور که در ادبیات و سایر هنرها به معنای بازگشت به نیت مولف است، در عکاسی نیز تاویل در تفسیر یک عکس به معنای دریافت چرایی عمل عکس برداری و خلق کردن از انتخاب یک ابژه واقعی در پیشگاه دوربین است.**
- **متن همان عکس است و کلمات این متن، همان عناصر درون عکس است. علم کندو کاو و یافتن سرشت تفکر عکاس است**
-
- **کشف نیت مولف در اوائل هوادارانی داشت که به آن هواداران« نگره مولف» می گفتند.**
- **نگره عکاس**
- **این که ایده ی عکس بر چه اساس و با چه نیازی در عکاس متبلور شده است و اینکه آیا ساختار عکس بر لذت وی تعیین شده یا نیت عکاس در هنگام عکاسی به صورت کاملا تصادفی بوده و یا از قبل فکر شده است و بعدا عکاسی شده و از میان عکس ها انتخاب شده و یا از میان عکس ها، کس دیگری آن را انتخاب کرده است « نگره عکاس » خوانده می شود.**

@pfakasi

- رسیدن به نیت عکاس، ناقص و دست نیافتنی است اما در بعد نقد روان شناسی، نشانه شناسی و زیبایی شناسی بسیار کمک‌کننده است.
- همه ی عکس ها بعد پنهانی دارند که مثل شعر برای اهلش اشکار می شود و یا قسمتی از معنا و مفهومش توسط مفسر و منتقد بازگو می شود.
- از متن یک عکس به درونیات ، آشفتگی ها، تعهدات، فریادها و شور و شوق عکاس تا اندازهای می توان پی برد.
- وقتی با خود عکاس صحبت می کنیم ، این هم سویی به دلیل مشترکات « جهان زیست شده» عکاس و مخاطب رخ می دهد.

_بارت در کتاب" لذت متن "کشف ناشدن معناها و فراگشت دریافت متن را تجربه ای عاشقانه می داند .

- _لذت, پیش‌بینی معنا هاست و ناشناس ماندن معنا در حکم سرخوشی است .در عرفان ایرانی به آن "حظ بصری"," جلای چشم"," لذت معنی" و "می الست" گفته می‌شود.
- _بارت با عنوان" افق دلالت‌های معنای اثر" این جذابیت فهم معنا را نوعی سرخوشی بی‌پایان می دانست.
- _بینندگان عام به جای تأویل ترجیح می‌دهند فقط لذت ببرند...
- _بینندگان حرفه ای در پی یافتن سرنخ های اولیه نیت و قصد عکاسان هستند...
- _بینندگان خبره و منتقد سعی می‌کنند تا با به کار بردن استعاره ها ,مجاز ها, دلالت ها و معنا های متفاوت به عمق تفکر عکاس پی ببرند .
- _عکس ها بسته به ژانر آن رویه های متفاوتی در معنا دارند. مثلاً در عکس های انتزاعی معماها و معناها بسیار است در عکس مستند بیشتر به ماجرا و پیگیری روایت علاقه‌مندیم تا نیت عکاس.
- _اومبرتواکو نشانه شناس بزرگ که در کتاب" اثر باز" اذعان می دارد که یک اثر تا زمانی که به عنوان اثر وجود دارد, به روی اشکال تأویل گشوده است. تأویل در اینجا به تحلیل فرم بستگی دارد به دلالت های سریع و استعاره‌ها. اما وقتی به تأویل زیبایی شناسانه گرایش پیدا می کند تأویل به گوهر و جوهره ی اثر می‌پردازد.
- _متن یک عکس دارای معنای نهایی و یکی نیست .
- _جری الزمن می گوید: هیچ برنامه ای در دستور کارش نیست و پروژه‌های او بر حسب نیاز و مونتاژ کنار هم شکل می‌گیرد.
- _در عکسهای دون مایکلز حضور متافیزیکی اشیاء, بستگی به تکنیکهای اتفاقی و تصادفی دارد که در لحظه عکاسی به وقوع می‌پیوندد .

- _آنسل آدامز در کمینگاه خویش چند روز میمانده تا نور و عوامل بصری مناسب به وجود آید .او با" طرح تجسم نهایی تصویر "به داد نیت عکاس می‌رسد. نظریه‌ای که عکاس تصویر نهایی را در ذهن تجسم می کند و با توجه به آن تکنیک و تونالیته و کنتراست ها را بررسی می‌کند.
- _هرمنوتیک :علم نظریه ای یا تفسیر, علمی که به خصوصیات آفریننده
- و تأویل خالق(عکاسی)می‌پردازد. سازماندهی شده توسط :فریدریش شلایر ماخر آلمانی
- با بنیاد فکری" در هر چیز ,جزء در چارچوب کل فهمیده می‌شود و کل به کمک جزء."
-
- _ویلهلم دیلتای با افزودن بر وسعت هرمنوتیک در حوزه علوم انسانی گفت: "فهم انسان ها به معنای فهم کلام فرهنگی آنهاست "کلام فرهنگی یعنی ذهن عینی یعنی ما از طریق کلام تجربه زیست شده عکاس را بازسازی می کنیم.و "برای فهمیدن عکاس و نیات او ,باید عکاس بود" ---> دلالت همدلانه
-
- _ هایدگر هم می‌گوید: اجازه بدهید اثر هنری را آنگونه که هست بشناسیم, با تجربه زیست شده خودمان و با دلالت های زمان خودمان.

مرگ مولف: در نظرگیری عناصر بصری در متن یک عکس فارغ از نیت مولف

- !گادامر هدف تفسیر را این میداند که مفسر دریابد این عکس برای ما و در حال حاضر چه معنایی دارد، تفسیر یک عکس درنتیجه گفتگوی میان حال و گذشته است(ادغام افق ها: کنشی مبتنی بر فهم خویشتن، فهم واقعیت تاریخی ما و پیوستگی آن با گذشته)
- -پس یک عکس واجد هیچ معنای مطلق و نهایی یا حتی قطعی نیست
- -در فراز و فرود شدن های تفسیر هرمنوتیکی یک عکس است که جهان عناصر داخل کادر با جهان مخاطب(بیننده) به هم میرسند. گادامر ان را هم کنشی فهم یک عکس میشمارد
- !ما با تجربه زیست شده خودمان معنای فرهنگی یا کلام فرهنگی را در اثر میجوییم که در خود ما وجود دارد و از قبل در تربیت "فرهنگی و تاریخی " نوعی "اسن همانی" صورت میگیرد، منطق این همانی چه در عکاسی و چه در بیننده وجود " روانکاوی یا اسطوره شناختی "دارد.
- !در عکس، این همان چیزی است که از قبل در ذهن بوده اما در فاصله زمانی کنونی (هنگام عکسبرداری) پیش روی ما ظاهر شده و ما با فرصت طلبی ان را برداشت کرده ایم.
- تفسیر " این همانی" در بینندهدنیز متبلور می شود. بیننده نیز تاویل اثر را با تاویل خود در اولین نگاه به عکس مشترک می بیند (دلالت های اسطوره شناخای و تاریخمند ش تحریک می شود)
- -هرمنوتیک در این مرحله نوعی "این همانی" درونش صورت می گیرد، نوعی پسااسطوره و پساتاریخی یا حتی فرافرهنگی اتفاق می افتد که ما را با افق های خالق اثر (عکاس) نزدیک می سازد

@ofakasi

- **!!نقد:**
- **-تجزیه و تحلیل در عکاسی به " چه" بودن ها و بعد از آن به شرح عکس (توصیف) به چگونگی و بعد از آن نیز به تفسیر یعنی چرایی و چیستی عکس ها می پردازد .**
- **-منتقدان بعد از تحلیل ،توصیف و تفسیر به ارزیابی یافته های خود و ایجاد بحث درباره اثر عکاسی شده می پردازند و این بحث را با طرحی به صورت گفتاری و نوشتاری ارائه می دهند .**
- **فرهنگ معین: نقد یعنی تمیز دادن خوب و بد، جدا کردن سره از ناسره، تشخیص محاسن و معایب سخن ادبی**
- **فرهنگ robert : نقد از تعریف واژه کرتیک (فرانسه Critique و انگلیسی (Criticعملی به منظور داوری ارزیابانه، از دیدگاه فلسفی یا زیبایی شناسانه یک اثر هنری**
- **دکتر زرین کوب(کتاب نقد ادبی) : نقد به معنی رای زدن و داوری کردن درباره چیزی است اما نقادی عبارتند از سنجش و ارزیابی و حکم و داوری درباره امور است و در تمامی حوزه ها کاربرد دارد.**
عمل نقد کردن ساده سازی یافته‌های خودمان است تا با دیدن یک اثر به عکاسان آن بگوییم که با تولید تفکر خود با مدیوم عکاسی،شمای عکاس،کجا و در چه موقعیتی در ظرفیت زمانی و مکانی و تفکر هنر،ایستاده‌اید و نیز به بینندگان،درک صحیح سلوک هنرمندانه یا زیبایی شناسانه عکاسی و نیز درک بودن ما و هستن‌های بشری را به آنها یادآور می‌شویم و در سلوک عکاسی ءنها را شریک می‌کنیم.
- **از دیدگاه منتقدان و مدرسان درس ویژه‌ی نقد عکس در آموزش عکاسی تعاریفی صادر شده است،که به ما کمک می‌کند در روند نقد دچار خطا نشویم.**
- **موریس وایتس:نقد شکلی از سخن گفتن سنجیده درباره‌می اثر هنری است،استفاده از زبانی که برای آسان سازی و وسعت دادن به درک هنری طراحی شده‌است در واقع نقد سخن گفتن آگاهانه درباره‌ی هنر به منظور بالا بردن فهم و ارزیابی است.**
- **منتقد از دیدگاه وایتس سخنان خود را با نظر وسیع‌تر از بیننده و حتی وسیع‌تر از عکاس به صورت گفتاری و نوشتاری در نشریات،مقالات و سمینارها می‌آورد،پس نقد نوشتن با وسعت نظر بیشتری از یک گزارش تفسیری است.**
- **منتقد با روشنگری یعنی درک اندیشمندانه و با احساس یعنی برخورد صحیح خود،با عکس یا عکس‌های یک عکاس مقابله میکند.**
- **تقابل اندیشه و برخورد منجر به نوعی داوری که نقاد باید با خردمندی کامل و نه با سخنان گنده گویانه یا اصطلاحات پست مدرنیستی و ایسم ها همراهش کند و نقدی برای مخاطب عام که منصفانه و قابل هضم است،بنویسد.**

- در مکانیزم نقد کافی است تجربه و تحلیل درستی داشته باشید.فرم و محتوای اثر را بررسی و یادداشت کنید بعد از تحلیل ساختاری و پساساختاری به توصیف پرداخته .شرح عکس،فضای ارایه ،شرح موضوع عکس و موضوع عکاسی،ابزار آلات به کار رفته و برخوردهای بینندگان را در یادداشت های خود بیاورید و بر فضای عکس و بررسی قصد عکاس از ارایه عکس‌ها و تفسیر آن بپردازید.دسته‌بندی نظریه‌ها و مکتوب دلالت‌های صریح و ضمنی آثار و تأویل عکس و عکاسی و بینندگان را در سطحی وسیع‌تر از تحلیل و توصیف یادداشت کنید .سره را از ناسره جدا کنید و از مکانیزم نقد به نقد برسید.استدلال زیبایی شناسانه و اکتسابی را به کار اندازید و در نهایت نظریات خود را در کل صادر کنید.
- هدف از نقد انتشار نظریاتی در باب عکس‌های یک عکاس است بحث‌هایی که منجر به پیشرفت فرهنگی در باب هنرهای تجسمی است.
- بسیاری از تفسیرها و قندها باعث جهت‌گیری در هنر شده‌است.

منتقدان : نقش منتقدان در خصوص ایجاد رابطه بین "عکس و تاریخ " چیست

- یک منتقد عکس چقدر باید مطالعات علوم انسانی ، فیزیک ،علوم هنرهای تجسمی ،تاریخ و روانشناسی و علوم اجتماعی و سیاسی را بداند ؟
- ✍گروند برگ : وظیفه منتقدان برانگیختن بحث در باب عکس است و نه صادر کردن حکم قطعی در مورد آن ، کجایی انتشار نقد و کیستی نویسنده آن ارزش والایی دارد .
- ✍گروندبرگ منتقدان را به دو گروه تقسیم میکند : منتقد عام و منتقد خبره هنری
- ✍بیشترین ضرر به بدنه فرهنگ تصویری را منتقدان کم تجربه و بی مطالعه و بی سواد و نا آگاه به فضای هنری و عکاسی ، به عکاسی وارد میکنند و با ندانستن مرز های مربوطه بحث های انحرافی و تحریف گونه و دفع کننده میکنند
- ✍منتقد عام : این گروه ، منتقدان حرفه ای هستند که شغل و حرفه شان نقد نویسی در همه حوزه های هنر است در نظریاتشان در خصوص عکاسی به صورت تخصصی به عکس نگاه نمیکنند و نقد آنها بر مبنای تجربه زیسته شده مفزشان و آموخته هایشان عبور میکند و "نظریات کلی میدهند " و با آمیختن دلالت های صریح با استعارات هنری ،متن را یش میبرند .
- از پرداختن به دلالت های ضمنی امتناع می کنند .نقدشان حالتی توصیفی و گزارشگرانه دارد و عمومن از آن بالا نمیرود اما در برخی نقد ها روزنه های امیدی برای زنده نگه داشتن نقد دیده می شود .
- ✍منتقد خبره هنری : این گروه از منتقدان مطالعات وسیعی در حوزه های مختلف هنر دارند و سعی در ایجاد "ارتباط و بحث و جدل " در باره موضوعات ارائه شده در هنر را دارند

@ofakasi

- **و جزو ستون های اصلی به وجود آمدن شیوه یا سبک هنری و خط فکری جدید هستند . نقد این گروه باعث معرفی هنر به جامعه می شوند و با ارائه فرهنگ جدید واکنش مردم را بررسی میکنند**
- **مخاطبان این نقد ها عمومن دو واکنش را از خود نشان میدهند**
- **(1پذیرش نقد 2) جبهه گیری در برابر نقد**
- **آنچه مهم است اینست که در هر دو حال روند پیشرفت فرهنگی جامعه منوط به روند پیشرفت فکری مخاطب خواهد داشت**
- **منتقدان خبره هنری با اطلاعات وسیع و به روز خود به معرفی زوایای پیدا و پنهان فرهنگ و هنر به جامعه می شوند .**
- **سخن منتقد خبره در برابر تفکر عام و خاص جداسازی ارزش ها و ضد ارزش ها در مجموعه هنری یک فرد یا یک گروه در یک "بیان" هست**
- **ادی کولمن میگوید : منتقد خبره باید از هنرمندان و نهادهایی که در باره آنها می نویسد مستقل باشد نوشته های او به طور مرتب در جاهای مختلف عرضه شود و اثر نقد شده در دسترس دید باشد و "موضع شکاکان را بپذیرد "**

به عقیده مارک استونز منتقد باید از

- **۱–صداقت در داوری ۲– سادگی در نگارش ۳– صراحت در اظهار نظر ۴– پرهیز از تظاهر و تفاخر برخوردار باشد . به اعتقاد او نقد خوب نتیجه ی درک خوب است " که مستقیم ، نو ، شخصی و تمام ناشدنی باشد.**
- **سلیقه : بازشناسی و تمایز بین هم نهاد اثر هنری (آفرینش) و عناصر سازنده (عکس) با توجه به عناصر جداسازی اثر (دلالت های صریح و ضمنی) آثار از دیگر آثار (به لحاظ تکنیکی و ایده آلی و سبکی ...) و همچنین در نظر گیری صفت مشترک آثار یک هنرمند را سلیقه گویند .**
- **ذوق : استعدادی است که فقط از زندگی در جامعه و از همزیستی و هماهنگی با مردم و فرهنگ آنها حاصل میشود و به انسان این امکان را میدهد که زشتی را از زیبایی تشخیص دهد .**
-
- **منتقد چگونه باید با اثر هنری و یا عکس ها برخورد کند ؟ پاسخ این سوال بر میگردد به هفت نکته که منتقد در نظر می گیرد ؛**
- **اول : پیشینه منتقد / دوم : یافته هایی از اثر هنری / سوم : پیشینه عکاس / چهارم : محیط و جو / پنجم : جمع بندی اطلاعات / ششم : انتشار نقد / هفتم : جمع آوری آرای خوانندگان و آرشیو سازی**
-
- **پیشینه ها و پسینه های نقد**

@pfakasi

- **۱ – پیشینه منتقدان : اطلاعات هنری ، شناخت عناصر در هنرهای تجسمی ، تعاریف تخصصی عکاسی ، تاریخ عمومی ، تاریخ هنر معاصر ، روند انطباق تاریخی با فضاهای فکری و جریان ساز فلسفی و فکری و کنجکاوی سیاسی و فرهنگی روز ، آشنایی با ژانرهای فکری و نظریه های مهم عکاسی ، داشتن قوه ی استنتاج و انطباق سازی عکاسی ،**
- **منتقدی که روزنامه ها را ورق نزند و موزه ها و نمایشگاهها را نبیند ، از نشر کتاب های عکاسی خبر نداشته باشد ، چگونه میتواند محیط و فضای فکری عکاسی را بشناسد و در رابطه با عکس های دیگران ارتباط برقرار کند و آنها را نقد کند**
-
- **۲– یافته هایی از اثر هنری : منتقد خبره از زمان دیدن عکس و شروع به یادداشت برداری بر روی هر عکس ، تامل می کند و سعی می کند تا دلالت های صریح و استعاره ها را به شیوه ی پنجره وار دریافت کرده و آنها را یادداشت کند و در حاشیه هم نظرات خود را به صورت دلالت های ضمنی و به شیوه های انطباقی از پیش فرض های ذهنی خود یادداشت کند و تمامی دال ها و مدلول ها را با تحلیل ساختاری و کامل یادداشت کند.**

(3پیشینه کاری : منتقد با فراست و باهوش عکس های یک عکاس به پیشینه تفکری یک عکاس نیز نفوذ میکند و با کنکاش ، فضای فکری عکاس را نیز جستجو میکند :علاقه مندی ها ،دوران کودکی ،تحصیلات ،خصوصیات و روحیات اجتماعی و ....

- **تا به نیات عکاس و قصد آن برسد .**
- **این نوع برخورد در نقد زندگی نامه ای و روانشناسی بسیار کمک کننده هست .**
- **(4◈محیط و جو هنری : احاطه کامل به فضای موجود هنری ، ارتباطات اجتماعی ، سیاسی و در نظر گیری اینکه این نقد چه هیاهو یا چه پیشرفت هایی برای عکاسان و برای دوستداران عکاسی خواهد داشت**
- **ممکن است عکاس یک عکس متاثر از فرهنگ یک کشور یا تفکر متاثر بر جهان باشد (مثل فمینیست)**
- **▲◈منتقد باید بداند که هنر روز متاثر از چه عامل هایی از سوی کدام موج جامعه شناسی و فرهنگی و هنری است**
- **(5◈جمع آوری اطلاعات کلی : هر نوع ارزیابی و ارائه نظر و حکم در مورد عکس بعد از جمع آوری اطلاعات خواهد بود**
- **بینندگان و برخوردهایشان از لحاظ احساسی نیز اهمیت دارند خصوصا در برابر عکس های مستند دید عوام فوق العاده مهم است .در مقابل برای عکس های هنری ،منتقدین خبره نظرات جالبی دارند که منتقد به انها توجه میکند .**

@nafaksi

- ﴿تا اینجا میتوان گفت که مکانیزم نقد به اوج خود رسیده است تجزیه و تحلیل ئ توصیف ها و تفسیر ها با یک نثر ویزه نگارش می شوند و به مرحله انتشار می رسند
- (6﴿انتشار :
- نقد مرده : نقدی که نوشته شسود و مخاطبان آن محدود به چند نفر (همسر منتقد خود عکاس یا چند دوست) شود باعث تلف شدن نقد می شود و چنین نقدی را نرده می نامند
- ﴿محیط های انتشار: به صورت سمینار ،مجموعه مقالات ،کتاب ،نشر در رسانه و اینترنت و مطبوعات و .... باعث خوانده شدن و تاثیر گذاری نقد می شود
- کولمن : چون نقد غعالیتی عمومی است نوشته منتقد باید در دسترس خواننده علاقه مند قرار گیرد
- ﴿نشر نقد بستگی به بستر نشر هم دارد مثلا نشر در یک روزنامه که عوام نیز خواننده ان هستند باید به سادگی و سهولت به فهم عکس کمک کند و انرا پیچیده نکند
- و نقد را دچار سکته های ست مدرنیستی نکند
-)اما در بستر های تخصصی مثلا یک گروه مجازی در شبکه های احتماعی ،سادگی نقد صورتی کاملا متفاوت به خود می گیرد)
- ﴿جمع آوری آرا خوانندگان و تعابیر و آرشیو ها :
- بعد از نقد موضع گیری های منفی و مثبت از سوی خوانندگان وجود خواهد داشت و جواب این نقد ها به صورت نقد نقد ، جوابیه یا مستقلا از طرف عکاس گفته می شود
- در این حالت عموما کج غهمی های منتقد گوشزد می شود
- ﴿نقد مرجع : نقدی که بسیار منتشر شود و در بسیاری از متن ها به مطالب ان استناد و ارجاع شود را نقد مرجع مینامیم
- مانند "چشم عکاسی " از جان سارکوفسکی

منتقدان در پی اگاهی دادن به بینندگان انواع نقد هارا انجام میدهند و بسته به نوع عکس ها انها را دسته بندی میکنند،مثلا عکس های هنری شامل نقد روانشناختی، زندگینامه ای،ژانر و زیبایی شناسانه است،اما عکس های مستند شامل نقد جامعه شناسی، مارکسیستی و تکوینی است.

- نقد ساختار گرایی و فرمالیستی:این نقد به ارایش عناصر بصری که مفهوم خاصی در تصویر ایجاد میکند بسنده میکند.
- وظیفه نقاد ساختار گرا: الف:استخراج اجزای ساختار های اثر،ب:برقرار ساختن ارتباط موجود بین این اجزا،ج:نشان دادن دلالتی که در کلیت ساختار اثر وجود دارد.

@pfaksi

- **نقد ساختاری را نقد صوری و پیکرگرا نیز میگویندکه بیشتر از انکه به ذهنیت و نیت عکاسی کار داشته باشد به خود اثر و عناصر ان توجه دارد.**
- **اگر مانند عکاسی مستند به دلالت های صریح ،سیاسی و اجتماعی عکس بپردازیم این نقد از حالت ساختار گرایی به معناشناسی گرایش پیدا میکند و انرا نقد سمپاتیک میگویند، واگر به مسائل اجتماعی و اقتصادی ساختار عکس توجه داشته باشیم،نقد ساختار گرایی تکوینی نام میگیرد که بیشتر به عکس های تبلیغاتی و تجاری رابطه پیدا میکند .**
- **نقد فنی و تکنیکی:بسیاری از منتقدان منصف، فنون و ابزار شناسی عکس را در نقد خود بکار میگیرند و انرا به وضوح تشریح میکنند، منتقد برای نقد تکنیکی باید جز به جز تکنیک بکار رفته را توضیح دهد.**
- **بسیاری از مفسران نیز از نقد فنی و تکنیکی به عنوان یک نقد عالی یاد نمیکنند چراکه بیشتر فکر میکنند نقد در جهت شفاف سازی فضای موجود فرهنگی است نه تابع ابزار یا اموزش عکاسی تکنیکی است.**
- **نقد محتوا و معنا: نقد معنا به مدلول های یک اثر کار دارد، مولول ها قسمت هاای پنهان یا باطن یک اثر است یعنی بخشی از اثر هنری که ملموس نیست. از دیدگاه رولان بارت معنای سوم است که به دلالت های ضمنی اشاره دارد تا دلالت های صریح. معنای اثر در عمق اثر نهفته است که دلالت ها میتواند انها را تا حدی اشکار کند ، اما محتوا دلالت صریح و اشکار اثر است.**
- **نقد محتوایی و معنایی به اثار تجریدی و عکس های انتزاعی و خلاقه کمک میکند که عوام هم انها را دریافت کنند، این نوع نقد را نقد نظری نیز میگویند اگر چنانچه تاویل به نیت عکاس داشته باشد نقد محتوا و معنی به سمت نقد تفسیری گرایش پیدا میکند که عمل هرمونوتیک نیز در ان رخ خواهد داد .**
- **نقد محتوا و معنا به درون مایه اثر و گرایش به ایده های خالق کار دارد.**

_نقد نشانه شناسانه:

- **نقدی است که عناصر یک عکس را فرومولیته میکند و سعی در بوجود آوردن یک روش منطقی برای ارتباط بین عناصر است...**
- **ارتباط بین عناصر و معنا(دال و مدلول)**
- **عناصر و عکاسی(تاویل)**
- **عناصر و بیننده(دلالت های صریح و ضمنی)**
- **و عناصر و معنای سوم(تفسیر)**
- ***نقد نشانه شناسی تمامی شاخه های عکاسی را در برمیگیرد.**
-
- **_نقد پدیدار شناسی:**

@nilakasi

- به موضوع و موضوع عکس ,نه ساختار ظاهری عکس میپردازد .
- به ارتباط متقابل بنیادی میان سوژه (موضوع) و ابژه (عناصر) تاکید دارد.
-
- به آن نقد مُرلوپونتی نیز میگویند.این نوع نقد,بررسی و داوری تجربه های ملموس جهان زیست شده آدمی است با توجه به تاریخ مندی آن در بنیان تصویری یک عکس است.
- به ریشه های تاریخی تفکر اثر میپردازد.
- به موضوعات خاص تاریخ مند میپردازد.
- ریشه های امانیستی دارد و گرایش به نقد اگزیستانسیالیسم که اگاهی بشر(عکاسی–بیننده و منتقد) را به چالش میکشد.
- در کلیه ی عکس های مستند و بعضی شاخه های عکاسی کاربرد دارد.

﴿نقد گونه و ژانر : ویژگی خاص یک عکاس ،همچنین موضوعاتی که یک هدف را دنبال میکنند در مقوله زانر بررسی می شوند

- منتقدان با بررسی عکس های یک فرد ، در مورد سبک و سیاق شخصی و امضا نهان آنها رای صادر میکنند
- ﴿نقد ژانر بر دو گونه است :
- (1شکل بیرونی : ساختار ها نشانه های خاص
- (2شکل درونی : تفکر خاص و کمپوریسیون ویژه
- ﴿در این نقد علاوه بر بررسی عکس های ویژه یک عکاس سایر مشترکات در موارد فرهنگی و نوع ارائه عکاسان یک گروه را در تاریخی معین بررسی میکنند
- ﴿ژانر های نزدیک به هم تشکیل یک سبک را میدهند
- و نقد آن نقد سبک مدارانه خواهد بود
- ﴿منتقد خبره تغییر ژانر را در نظر می گیرد یک تفکر خاص همه گیر به معنی تاثیر گذاری در هنر ،احتماع ، فرهنگ و سیاست اقتصاد که جهت دهی تفکر عکاس منجر شده را نیز بررسی میکند
- ﴿منتقد فهمیم با توجه به فضای تفکری معاصر تغییرات ژانر را بررسی میکند
- ﴿نقد جامعه شناسانه : این نقد بر پایه نظریات لوگاچ و گلدمن می باشد که : معنا و ارزش هر اثر هنری به یک گروه اجتماعی و به طور عام تر به ساختار اجتماعی نسبت داده می شود که به طور تاریخی شکل گرفته است
- توصیف هنرمندان ،بر اجتماع و تاریخ و اقتصاد و سیاست و فرهنگ نوعی وام گیری از تحولات آنهاست
- که در عکس عکاسان خصوصا تجاری و مستند دیده می شود

@pfakasi

- ▲◈نوع مکالمه تصویری عکاسان ،در نقد نقادان ،نقد بینا متنیت است که تمامی عناصر عکس ها (مثلا مستند) را دارای مفاهیم کنش زای اجتماعی میکند ▲▲(فوق العاده مهم و منطقی و قابل استناد) ▲
- نقد جامعه شناسانه به طور جدی به کنش های اجتماعی و فرایند معناسازی عکس می پردازد
- تفسیر "دلالت ضمنی " بارت نیز در روند معنا سازی در این نقد فوق العاده مهم است (▲▲یک مثال بزنم از نقد های خودم : نقد عکس فیض اللهی بر پایه توجه به چرایی مرگ بر امریکا ، کاملا منطبق با این متن ها می باشد ▲▲)
- ◈از دیدگاه منتقدان جامعه شناخت عکس محصول زمان و محیط اجتماعی است
- و عکس را نمیتوان بدون در نظر گیری ویزگی های اجتماعی آن بررسی کرد
- ◈نقد زیبایی شناسانه :
- این نقد رویکردی مبتنی بر مسایل زیبایی و شکل اثر دارد مسایلی که باعث حظ بصری و لذت می شود را بررسی میکند
- ◈مکاریک نقد زیبایی شناسانه را با 2 رویکرد بررسی میکند
- (1بررسی فلسفی سرشت زیبایی و تعریف آن
- (2بررسی روانشناختی ادراکات ،ریشه ها ئ تاثیرات هنر زیبایی
- ◈فلسفه زیبایی 4 مفوله را در بر میگیرد
- (1خلاقیت و نوآوری 2)لذت دیداری و حظ بصری 3) ایجاد هیجان و شگفتی 4) تعالی و والایی هنری
- ◈این چهار خصیصه عموما معطوف به :مستند طبیعت و عکس های هنری خلاقه است
- ◈لذت چیزی است که نمود ،سیلان ، بی بنیانی و تعلیق را به خود می پذیرد .ممکن است ما لذت زیبایی شناسی را در یک شی واقعی (مشهود در عکس) یا در باز نمود خیالی (مثل عکس هنری) جستجو کنیم و این لذت از انواع دیگر متمایز است
- ◈لذت زیبایی شناسی از احکام فردی و امیال ها مستقل است
- لذت زیبایی شناسی در خود تمام می شود و به شخصیت و میل منتقد بستگی دارد چرا که برخی از منتقدان از چیزی لذت می برند که منتقدان دیگر نشانه لذت نمیدانند
- ▲◈منتقدان این نوع نقد باید اشراف کاملی به فلسفه زیبایی شناسی ،شناخت شناسی ، معرفت شناسی و همچنین دانایی لازم را نسبت به تاریخ و فضای موجود هنری داشته باشد
- (9◈نقد زندگی نامه ای

@pfakasi

- **این نوع نقد به راز و رمز های موجود در تفکر عکاس می پردازد و در واقع نوعی تاویل نیت مدار در آثار عکاس را توصیف میکند .منتقد نیازمند پیشینه زندگی عکاس هست این نقد قرابت خاصی با نقد روانشناسانه دارد و محدودیتی در باب توصیفات زندگی عکاس وجود ندارد**
- **نقد زندگی نامه ای گاهی ممکن است به عکس یا مجموعه عکس های عکاس ربطی نداشته باشد .**
نقد روان‌شناسانه:از نظر تکوینی در باب تحول ذهن بشر(عکاس،بینندگان و منتقدان)به مثابه دستگاه روانی عرضه می‌شود.
- **از نظریه‌ی ذهن ناخودآگاه فروید سرچشمه می‌گیرد و ذهن ناخودآگاه در کنش‌ها واژه‌ها و تصاویر ذهنی متجلی میشود.اما در عکاسی که با واقعیت شئی روبه‌روست،خلاقیت در جستجو و یا شکل دهندگی به تصویر است که از ذهن ناخودآگاه تاثیر می‌پذیرد.**
- **نقد روان‌کاوانه به انگاره‌های عمق تفکر عکاس کار دارد.**
- **منتقد به رابطه عناصر تصویر عکس‌برداری شده و عکاسی می‌پردازد آن‌گاه که عکس‌های ارایه شده موضوعی را بیان می‌کند که در تمام عکس‌ها مشترک دیده می‌شود راز تأویل عکاسی از طریق بررسی زندگی‌نامه به نوعی ایده‌ها و یا گرایشاتش به تفکرات سنتی،مدرن یا پست مدرن را مد نظر قرار می‌دهد،بنابراین نقد روان‌کاوانه نوعی کنکاش در بررسی عوامل تصویری(عوامل بیرونی)است.**
- **راهیابی به درون یک عکاس منجر به ارایه نظریاتی درباب دریافت‌های خودآگاه و ناخودآگاه عکاس می‌شود که به سمت و سوی موضوع عکس‌هایش می‌رود.**
- **نقد روان‌شناسانه نه تنها درونیات عکاس را نشانه نمی‌گیرد بلکه سوی دیگران کنش‌ها و واکنش‌های بیننده را در نظر می‌گیرد.**
- **بیننده با باز آفرینی دریافته‌های خود از عکس‌ها در درون خود اصلی یا ناخودآگاه خود نوعی همسویی و انطباق تفکر با عکاس پیدا میکنند.**
- **منتقد خبره (در مقام یک بیننده)به واکنش‌هاتوجه نشان می‌دهد و حکمی را با توجه به یافته‌ها از نوع ارایه و فضای ارایه صادر می‌کند.**
- **نقد روان‌کاوی مختص به دسته عکس‌های هنری و خلاقه است و کمتر در عکاسی مستند کاربرد دارد.**
- **در نقد روان‌شناسانی از استعاره‌ها و مجازها و دلالت‌های ضمنی بسیار استفاده می‌شود.**
- **نقد کهن‌الگویی:منتقدان توجه خود را بر عناصر عام تکرارها،قراردادها،فرهنگ و اجتماعی که در عکس عرضه شده است معطوف می‌دارد.**

@pfakasi

- **تاثیر عکاسی و نشان دادن آن در عکس‌ها از مناسک‌ها،الگوهنری،نمادین سنتی،آیین‌ها و فرهنگ‌های تصویری خاص در نقد کهن الگویی مطرح است.این نقد به دلیل قرابت با بررسی اسطوره‌ای یک فرهنگ گاهی نقد اسطوری نیز گفته می‌شود.**
- **جیمز فریزر_کتاب شاخه زرین:نقد اسطوره‌ای و نمادهای تصویر آنها در سطح مفهومی عمل می‌کنند در صورتیکه نقد کهن الگویی بر سطح کنش‌ها عمل می‌کند.**
- **یانگ:بیشتر به فرد و ناخودآگاه جمعی اهمیت داده می‌شود که بیشترین گرایش را به نسبت آیین و مذهب دارد.**
- **این رویکرد نوعی نگره جامعه شناسی و کنشی همزیستی هم دارد که آن را از اسطوره جدا میکند زیرا موقعیت کهن الگوها،مجازها،تصاویر و اندیشه‌ها معنای عاطفی نیرومند دارد که در قیاس یک گروه و یا گروهای در تجربه انسان قرار می‌گیرد و در این نوع نقد به آن پرداخته می‌شود.**
- **این نقد به عکس‌های مستند و به خصوص مستند تیپ نگاری و مردم شناسی بیشتر می‌پردازد اما در سطحی دیگر در عکس‌های هنری نیز استفاده‌های فراوان دارد.**
- **نقد اسطوره شناسانه**
- **عکس نوعی زبان تصویری است که واژگان آن تنها عناصر داخل عکس نیستند.**
- **عناصر جمله‌ای کوچک هستند از یک داستان بزرگی که یک عکاس آن را می‌آفریند،بیننده درک می‌کند و منتقد آن را هویدا و به منصه ظهور می‌رساند.**
- **در نقد اسطوره‌ای منتقد به مفاهیم عناصر در پس انگاره‌های عکاسی و ورای تصویر عکاسی شده می‌پردازد.**
- **منتقدان اسطوره‌شناسی به روایت‌ها و فرهنگ‌های شخصیت پرداز آشنایی دارند و آنها را در نقد خود موشکافانه استفاده میکنند.**
- **اسطوره معاصر با اسطوره‌های ادبی به طور کامل متفاوت هستند.دغدغه انسان‌گرایانه در ادبیات معاصر سمت و سوی اسطوره‌شناسی را به اسطوره‌های امروزه کشاند که در مکتب شیکاگو توسط دهه‌ای مطرح شد.این موضوع انسان مدارانه و جستارهای سنتی تنها بحث مکتب شیکاگو نیست عناصر روایی و شخصیت پردازی با خلاقیت هنری و عکاسی همراه است که این مکتب آن را به شباهت‌ها و جابه‌جایی مفاهیم می‌شناسد چیزی که روبرت سکولز و روبرت کلاگ آن را بازتاب چیزی می‌دهند که می‌توان آن را ذوق ارسطویی نامید.**

نقد فلسفی :نقد اندیشمندانه که بیش از آنکه تاریخ را در نظر بگیرد حوزه فلسفه را در نظر دارد.

- منتقد فلسفی به گروهی از عوامل موثر در اندیشه تاریخی یک مکتب یا فرد کار دارند که تاثیراتش در همه حوزه‌ها وجود دارد و در عکس نیز این تاثیر با عوامل و عناصر بصری به خوبی قابل ارایه است.
- این نوع نقد از اندیشه‌های آرتور لاوجوی سرچشمه می‌گیرد که معتقد است که کنش‌های تاریخی اندیشمند متاثر از افکاری است که در یک برهه از زمان به‌وجود می‌آید و از یک عرصه به عرصه دیگر قابل انتقال است.
- دنبال کردن یک تفکرموثر در همه حوزه‌ها به صورت قاعده می باشد و با منطق انطباق و همسویی در نقد منتقدان می‌آید.
- منتقدان فلسفی تفکر یک واحد ویژه زمانی که با ایسم همراه است را بررسی می‌کنند مانند تفکرات ایده‌آلیسم،رمانتیسم،پراگماتیسم و غیره و این اندیشه را مرتبط با افکار عکاس می‌دادند که با عنصر بصری به صورت دلالت‌های ضمنی آنها را به کار برده‌است.
- نقد تکوینی:در عکاسی گرایشی شدید در تقابل هنرها با عکاسی است.
- در این نقد دانستن شکل‌گیری یک ژانر عکاسی تا زمان شکل‌گیری آن در حال حاضر تحت بررسی قرار می‌گیرد.
- نقد تکوینی با غایت به معنای بررسی وضعیت عناصر و چیدمان عکس با توجه به وضعیت دیگر عکس‌های عکاسان دیگر همراه است.
- نقد تکوینی وابسته به تشریح وضع و حال عکاس دارد چون نوعی کنش ارادی در انتخاب سوژه و موضوعات برای یک عکاس وجود دارد و در یک دوره تا دوره بعد به طور کامل قابل بررسی است و پیگیری این تغییرات از حدود قیاس با عکاسان دیگر خارج می‌شود و به خود عکاس می‌پردازد که حتی با گذشت زمان و تغییر گرایش‌های فکری یا فنی این نقد را به خود عکاس می‌پردازد.
- نقد تکوینی نوعی بررسی از تغییرات در یک گروه از عکاسان هم فکر و یا عکاس در قیاس با عکاسان دیگر و یا دوره کوتاه از زندگی که شیوه خاصی به شیوه خاصی دیگر انتقال صورت می‌گیرد.
- نقد تکوینی بررسی سلسله افکار یک فرد از شروعی تا پایان زمانی که شروع دیگر آغاز می‌شود را در بر می‌گیرد.برای عکس‌های روایی و عکس‌های مستند استفاده می‌شود.
- نقد تطبیقی:با توجه به تاثیر پذیری عکاس از سایر عکاسان و یا تاثیرپذیری از نوعی تفکر غالب در یک زمان ویژه،نگارش می‌شود.
- این نقد مطالعه در ریشه آثار عکاس دارد که از کجا شروع شده و چگونه این عکس‌ها به بار نشسته‌است.
- آثار دایان آربوس و فریدلندر متاثر از رابرت فرانک و او متاثر از آندره کرتز و براسای بوده‌است.

@ofiakasi

- **منتقدان تطبیقی با بررسی ریشه‌ها و تأویل در آثار عکاسی به منطق تفکر عکاس و تاثیرات آن پی برده و نشان‌هایی که مثال‌هایی که شبیه به هم هست را بررسی می‌کند و نقاط ضعف و قدرت تقلید شده و یا اضافه و کاسته شده را بررسی می‌کند و رای خود را صادر می‌کند.**
- **نقد تطبیقی با نقد فلسفی مطابقت پیدا میکند زیرا عکاسان علاوه بر صورت نیز از نظر محتوی_پیرو یا مقلب_تفکرات غالب معاصر هستند که نقد تطبیقی با توجه به مفاهیم تفکر آن را موشکافی می‌کند.**
- **این نوع نقد برای تمامی ژانرهای عکاسی قابل تامل است و مادامیکه عکاس دست به ابداع بزند و کارش تقلید نباشد نقد دچار نقیصه می‌شود.**
- **منتقدان تطبیقی بر کسب عادت روست دارند که آثار عکاس را متاثر از عکاسان دیگر بدانند که گاهی راه به خطا می‌رود.**

نقد فمینستی : این نقد را "زن سالارانه " یا زن محور نیز مینامند .نقد فمینیستی رویکردی پست مدرن دارد و از 1970 به بعد به طور جدی بررسی شده است از سوی برخی منتقدین این نقد هنوز به عنوان منقد مستقل موجودیت ندارد

- **دیدگاه های منتقدان فمینیستی سه رویکرد اساسی دارد :**
- **(1تحلیل تصویر زن در آثار عکاسان (مرد و زن)**
- **که امکان تجاری بودن کالای زن و بی حرمتی به وی مطرح شود و یا در جای دیگر صرفا به کارکرد مادرانه و اثر مثبت زن از این منظر پرداخته شود**
- **(2بررسی عکس های عکاسان زن با محوریت عاطفی و زن محورانه هر چند که محوریت جنسی نداشته باشد**
- **(3بررسی عکاسان هر دو جنسیت با تاکید روان پژوهی غالب حتی اگر مردان این عکس ها را گرفته باشند ولی بازتاب زن محوری از آن تراوش شود**
- **و فعالیت های زن گرایشانه با استعاراتی بیان شود**
- **منتقد فمینستی تمام توصیف و تفسیر خود را در رابطه با جنسیتی که غالب است و (اغلب زن محور است) مطرح میکند و در "عکس هنری " بیشتر دیده می شود**
- **نقد مارکسیستی**
- **منشا این نقد از اندیشه های کارل مارکس و فردریش انگلس است که در باب ایدوئولوژی و فرهنگ نظر داده اند**
- **از نظر مارکس آثار فرهنگی و هنری تحت سیطره ایدوئولوژی و اندیشه ها و ارزش های "طبقه حاکم " شکل میگیرد**

@pdfakasi

- ✍مارکس متن فرهنگی را منبع بی پایان دانش اجتماعی می دانست (عکس به مقابه یک متن فرهنگی است .)
- و معتقد بود گستره هنر نمایش "طبقات واقعی" جامعه را بر عهده دارد و عکاسان با به تصویر کشیدن مبارزات طبقاتی و مواضع سیاسی ترقی خواهانه جامعه ،این مهم را انجام میدهند
- از این منظر عکس به مثابه نمایش تضادهای اجتماعی است خصوصا در عکاسی مستند و مطبوعاتی
- ✍نقد مارکسیستی بیان می کند که چگونه ایدئولوژی ها در عکس ها کارکرد دارند و چگونه در عکس ها که گرفته می شوند بر بینندگان تاثیر می گذارند
- ✍تئودور آدرنو معتقد بود هنر اصیل هنری است که بیش از هر چیز برای ابزاری برای رهایی عمل کند
- ✍کارکرد نقد مارکسیستی پرداختن به نمایش عکس هایی از تضادهای طبقاتی و مدهای اشرافی با مدل های لباس و فخر فروشی های افراد ثرتمند در عکس ها و همچنین نمایش فقر و غنا است
- نقد نمایشگاه خوانواده بشر و عکس های دایان آربوس به نوعی نقد جامعه شناختی و مارکسیستی قلمداد می شوند که در آثار منتقدان بزرگی چون سونتاگ و تری برت و اندی گروندبرگ دیده می شوند.
- ✍با توجه به باندبازی های عکاسی و هنری در ایران نقد مارکسیستی را فقط بسته به عکاسی جامعه شناختی نمی شود اطلاق کرد .
- بلکه از جهتی دیگر به نقد گروه های عکاسی در ایران فقط در سیطره خود و افراد خودی که افکار گروهی را می پذیرند و افکار عده ای را مردود میدانند نیز تعمیم داد .
- در ایران طبقات مختلفی از عکاسان و طیف های وسیعی از افراد هستند که به دلیل محدودیت شیوه در عکس هایشان و یا درگیری های معیشتی و اقتصادی گروهی دیگر را نفی میکنند در این مورد اگر به بررسی سیطره باندبازی عکایان ایرانی پرداخته شود این نقد هم مارکسیستی قلمداد می شود.

نمیتوان مرزبندی بین نقد ها بوجود اورد،نقد مارکسیستی به همان اندازه برای عکس های مستند کاربرد دارد که نقد جامعه شناختی و تکوینی.

- تمامی نقد ها به یک چیز مشترک ختم میشود.
- گام های نگارش نقد و ارایه ان
- :1الف)نمایشگاه چه گروهی و چه انفرادی قابل بررسی است،اغلب نمایشگاه گروهی دارای وحدت موضوع است،ابتدا باید کلیت نمایشگاه را با دید سطحی بررسی کرد.
- ب)اینترنت:نمایشگاه اینترنتی فضایی به طور کامل متفاوت با فضای نمایشگاهی و تماس با اصل اثر دارد.

@pfakasi

- **ج)چاپ مجموعه:عکس های یک فرد یا افرادی در یک کتاب یا یک کاتالوگ مخصوص، این مهم نیز بستگی به ارایه و چاپ کتاب دارد.ضمیمه ارایه عکس ها ، صفحه ارایی، زیرنویس و غیره تاثیر شایان توجهی در نقد یک اثر دارد.**
- **د)ارایه عکس به صورت های ویژه:به صورت عکس های چاپ شده در مطبوعات و یا ارایه عکس در یک کارگاه ویژه و یا از طریق فتوکلیپ،ویدئوارت و یا در جایی که به صورت بینال داوری میشود و غیره نیز نقدی مخصوص بر خود در بر میگیرد.**
- **نوع ارایه عکس ها در قضاوت بسیار تاثیر دارد.**
- **:2در تحلیل ها باید به روابط فرم ها شکل ها و به تحلیل نشانه شناسانه بپردازیم.شرحی ساختار گرایانه به عکس هایی که ارزش پرداختن دارند بنویسید،ژانر و سبک ها را در نظر داشته باشید،محل و زمان عکسبرداری و تکنیک های قابل توجه ارایه شده را یادداشت کنید،یک نسخه از عکس را برای ضمیمه کردن به نقد حتما درخواست کنید،نظرات ضمنی خود و نوع برداشت هایتان را حاشیه نویسی کنید.**
- **:3بعد از تحلیل و توصیف عکس ها زندگینامه یا شرح توضیحات عکاسی و یا مقدمه کتاب را درخواست کنید،این امر در تفسیر و تاویل نقد به شما کمک میکند.**
- **علاوه بر اینها منتقد کنجکاو به نظر بینندگان گوش میدهد و یا درباره عکس ها جدل راه می اندازد تا بینندگان بی انکه بدانند نظریات خود را با شما در میان بگذارند.**
-
- **۴.پس از جمع‌آوری اطلاعات نوبت به در نظر گیری دلالت‌های صریح و ضمنی است.نکته‌ای که قابل توجه است،منتقد خوب کسی است که تمامی جوانب بد و خوب اثر را در نظر بگیرد و معایب و محاسن را بی‌طرفانه بنویسد و اگر منابعی نیز از آنها کمک بگیرد،نقل قول بزرگان متفکران_اشعار و عبارات،نکته‌هایی در مقالات مرتبط با موضوع می‌تواند در یادداشت بارداری‌ها و تدوین نقد در نهایت به شما کمک شایانی بکند.گفته‌ها از اشخاص باید در منابع و ماخذ ذکر شود.**
- **۵.حال باید سره را از ناسره جدا کنیم.معایب آثار را با منطق بنویسیم و به تدوین نقد خود بپردازیم.نقد دارای نکات زیر است:**
- **الف)عنوان و نیز در پرانتز اشاره به نقدی بر نمایشگاه و کتاب و یا عکس‌های ارائه ویژه عکاسان**
- **ب)مقدمه شامل متنی کوتاه در باب عکاس،گالری یا کتاب و غیره و نوع ارائه آنهاست،تعداد عکس ارائه شده و جداسازی موضوعات است.**
- **ج)بدنه متن به نقد می‌پردازد و دارای نثری است که به سادگی و سهولت قابل فهم و درک باشد و ارتباط این گفته‌ها را دربرمی‌گیرد.مثال و مثال نقض در نقد بیاید.به معایب و محاسن عکس پرداخته**

شود،دلالت‌ها در نظر گرفته شود.تفسیرها همراه با برداشت دیگران و مثال‌هایی از بزرگان همراه کنید.نقدها را به هزل گویی یا گنده گویی‌ها و یا ایسم‌های بی خود پر شود.در هنگام بیان نظر شخصی بگویید که نظر شخصی خود را عنوان کردید.در صورت بیان نظرات دیگران به منبع در پایان کار اشاره شود.در نقد به طور حتم کلمات شرح،توصیف،تفسیر،تأویل و نیز تحلیل را به کار برده شود.

- در نظرات خود و داوری و یا ارزیابی عکس‌ها کمال انصاف و دقت شود تا جنبه‌های توهین و تحقیر عکاس را نداشته باشد.
- نقد برای ارتقا فرهنگی و نشان دادن والاییو وسعت نظر عکاس و بیننده عکس است و نه خودنمایی از طرف منتقد که منجر به تحقیر و تحریف عکاس شود.
- د)نتیجه گیری کنید که عکس یا عکس‌ها چه سود فرهنگی به جامعه یا بینندگان داد،چه ارگان‌ها و یا نهادهای مسئول پاسخ‌گویی به عکس‌ها هستند.تشویق عکاس برای کمتر کردن معایب و بیشتر کردن محاسن .سخن منتقد باید دوستانه،داوری با انصاف و یا دلایل و نتیجه‌گیری مثبت داشته باشد به طوری که آموزنده باشد.نقدی خوب است که تغییراتی در جهت بهتر شدن فرهنگ دیداری و بصری به وجود آورد نه آن که با خواندن نقد خودخواهی نقاد را دریافت کند.
- ۶.نقدها چاپ و خوانندگان خاص و عام نظرات خود را صادر میکنند.آرای دیگران راجع به نوشته‌ی شمامعایب و محاسن شما را آشکار می‌کند.نقد نقد برای اعتلای فرهنگی یک کشور حائز اهمیت است.منتقد باید تحمل و تأویل روی نقدهای نوشته شان داشته باشند و در مقابل افراد متعقب و محافظه‌کار نیز واکنشی مثبت نشان دهید.
- ۷.تمامی آثار مکتوب خود،عکس‌هاو نظریاتتان را به صورت منظم آرشیو کنید چرا که می‌توان آنها را در آینده نشر سازید مثل جان سارکفسکی،آلفرد استیگلیتز،سوزان سونتاک،تری برت و رولان بارت

@pfaksi